



آیت الله سید احمد خاتمی شامگاه یکشنبه در مراسم گرامیداشت رهبر شهید انقلاب اسلامی در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها، با اشاره به ابعاد کم سابقه آیین تشییع و بدرقه رهبر شهید اظهار کرد: آنچه در ایران و عراق رقم خورد، از نگاه بسیاری از رسانه های جهان بزرگترین تشییع تاریخ و بزرگترین اجتماع مردمی قرن به شمار می آید. وی افزود: رسانه های خارجی از این حضور به عنوان بزرگترین رفراندوم جمهوری اسلامی ایران یاد کردند و حتی حداقل آمارهای منتشر شده نیز از حضور میلیون ها نفر در مراسم تشییع حکایت دارد. امام جمعه موقت تهران ادامه داد: در عراق نیز میلیون ها نفر در شهرهای نجف و کربلا برای بدرقه رهبر شهید حضور یافتند و اگر محدودیت حضور بانوان وجود نداشت، جمعیت شرکت کنندگان از ارقام اعلام شده نیز فراتر می رفت. وی تصریح کرد: رسانه های غربی از ازدحام کم سابقه مردم در تهران و دیگر شهرها سخن گفتند و این حضور پرشور، حقیقتی بود که حتی مخالفان جمهوری اسلامی نیز نتوانستند آن را نادیده بگیرند. خلاص و عمل صالح راز محبوبیت رهبر شهید بود. آیت الله خاتمی گفت: پرسش اصلی این است که راز این محبوبیت بی نظیر چه بود و پاسخ این پرسش را باید در آموزه های قرآن کریم جستجو کرد. وی افزود: خداوند در سوره مریم وعده داده است که ایمان و عمل صالح، محبوبیت حقیقی را در دل ها قرار می دهد و رهبر شهید مصداق روشن این وعده الهی بود. عضو مجلس خبرگان رهبری بیان کرد: رهبر شهید با همه وجود به وعده های الهی ایمان داشت و در سخت ترین شرایط نیز با اتکا به خداوند، آینده انقلاب اسلامی و ایران را روشن تر از گذشته می دانست. وی ادامه داد: باور عمیق به نصرت الهی، اعتماد کامل به وعده های پروردگار و نگاه توحیدی به همه عرصه ها از مهم ترین ویژگی های شخصیتی رهبر شهید بود که خداوند محبت او را در دل میلیون ها انسان قرار داد. وی اظهار کرد: عمل صالح رهبر شهید تنها در ساخت مراکز دینی، حمایت از حوزه های علمیه و فعالیت های فرهنگی خلاصه نمی شد بلکه مهم ترین اقدام ایشان، استحکام پایه های نظام جمهوری اسلامی در عرصه های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی بود. مردمی بودن رهبر شهید دل ها را به سوی او کشاند. خاتمی گفت: امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه مردم داری را رمز ماندگاری شخصیت ها معرفی کرده اند و رهبر شهید نیز در عمل این سیره را دنبال می کرد. وی افزود: حضور در میان مردم، دیدار با خانواده های شهید، سفر به استان های مختلف کشور، رسیدگی به مناطق حادثه دیده و همراهی با مردم در شادی ها و سختی ها از جلوه های بارز این روحیه مردمی بود. امام جمعه موقت تهران تصریح کرد: رهبر شهید در طول سال های رهبری خود با هزاران خانواده شهید دیدار کرد و همواره خود را در کنار مردم می دید و همین ارتباط صمیمانه، محبت ایشان را در دل ملت استوار ساخت. وی خاطرنشان کرد: اشکها و سوگواری گسترده مردم در مراسم بدرقه رهبر شهید، جلوه ای از همین پیوند عمیق عاطفی و معنوی میان امت و رهبری بود. انتقام خواهی مطالبه امت اسلامی است. آیت الله خاتمی گفت: یکی از برجسته ترین پیام های مراسم تشییع رهبر شهید، مطالبه عمومی برای انتقام از عاملان این جنایت بود. وی افزود: برافراشته شدن پرچم های سرخ و شعارهای مردم نشان داد که خون رهبر شهید فراموش نخواهد شد و ملت ایران این مطالبه را با جدیت دنبال می کند. عضو مجلس خبرگان رهبری بیان کرد: موضوع انتقام صرفاً یک شعار احساسی نیست، بلکه

ریشه در آموزه های قرآن کریم دارد و خداوند دفاع در برابر ظلم را مورد تأکید قرار داده است. وی ادامه داد: فرهنگ خون خواهی در مکتب اهل بیت علیهم السلام نیز جایگاهی روشن دارد و همان گونه که شعار باللغات الحسین تا امروز زنده مانده است، مطالبه انتقام خون رهبر شهید نیز ادامه خواهد داشت. تشییع رهبر شهید پیام تجدید بیعت با ولایت بود. آیت الله خاتمی گفت: حضور گسترده مردم در مراسم تشییع، علاوه بر تجلیل از مقام رهبر شهید، پیام روشنی در حمایت از ولایت و استمرار مسیر انقلاب اسلامی داشت.

گراهام، ابهام، انتقام

مرگ ناگهانی لیئندسی گراهام سناتور جنگ طلب و ضد ایرانی، نتانیا هو: او بزرگترین دوست اسرائیل بود

آمریکا یادداشت تفاهم را نقض کرد تنگه هرمز بسته می ماند

چرا سخنرانی «سید علی خمینی» در مجلس تحریم رهبر شهید انقلاب مهم است؟

خمینی جوان، محکم و استوار و بالحنی که ندای گر خمینی کبیر است اصولی را گوش زد می کند که یادآور صدای رسای اسلام و «مکتب امام» است.

فاجعه ای به نام «تمدن ۲۵۰ ساله آمریکا»

۴۰۰ جنگ و میلیون ها کشته



بیداری امت اسلامی شتاب خواهد گرفت

■ حجت‌الاسلام عباس محمدحسینی، رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران در مراسم یادبود رهبر شهید انقلاب اسلامی در جمع فرماندهان و کارکنان ستاد نیروی دریایی ارتش، با تسلیت شهادت عاشورایی رهبر شهید انقلاب اسلامی، این حادثه را یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رخدادهای قرن حاضر دانست و گفت: آثار و پیامدهای این واقعه تاریخی در سال‌های آینده بیش از پیش نمایان خواهد شد و مسیر تحولات جهان اسلام را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

وی با اشاره به ابعاد گوناگون این حادثه، اظهار داشت: شهادت رهبر انقلاب علاوه بر پیامدهای تلخ، رهاورد‌های مهمی نیز برای امت اسلامی به همراه داشته است که از جمله آن می‌توان به آشکار شدن هرچه بیشتر محبوبیت و نفوذ معنوی ایشان در میان ملت ایران، امت اسلامی و آزادگان جهان اشاره کرد.

رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش با بیان اینکه آیین‌های گسترده بزرگداشت و برقررف رهبر شهید در کشورهای گوناگون، جلوه‌ای از جایگاه معنوی ولایت در میان ملت‌ها بود، افزود: حضور و ابراز احساسات مردم کشورهای اسلامی نشان داد که اندیشه ولایت و گفتمان انقلاب اسلامی مرزهای جغرافیایی را درنوردیده و به سرمایه‌ای مشترک برای امت اسلامی تبدیل شده است. حجت‌الاسلام محمدحسینی یکی دیگر از دستاوردهای این رخداد را الهام‌بخشی هرچه بیشتر مکتب رهبر شهید برای نسل‌های آینده عنوان کرد و گفت: همان‌گونه که نهضت عاشورا پس از شهادت امام حسین(ع) منشأ بیداری ملت‌ها شد، این شهادت نیز می‌تواند زمینه‌ساز تقویت روحیه مقاومت، وحدت و بیداری در جهان اسلام باشد. رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش با اشاره به ضرورت تحقق امت‌سازی اسلامی، تصریح کرد: یکی از آرمان‌های راهبردی رهبر شهید، شکل‌گیری امت واحده اسلامی بود و امروز بیش از هر زمان دیگری باید برای تقویت همبستگی میان ملت‌های مسلمان و گسترش محور مقاومت تلاش شود.

حجت‌الاسلام محمدحسینی در بخش دیگری از سخنان خود، برخی از پیامدهای این حادثه را مورد اشاره قرار داد و گفت: استمرار تهدیدهای امنیتی، فشارهای اقتصادی، جنگ ترکیبی دشمن و تلاش برای ایجاد ناامنی و فتنه از جمله چالش‌هایی است که نیازمند هوشیاری، انسجام ملی و حضور آگاهانه مردم در صحنه است. رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید داخلی، مدیریت مصرف، تقویت همه‌جانبه توان دفاعی کشور و حفظ وحدت و همدلی را از مهم‌ترین راهکارهای عبور از شرایط کنونی دانست و تأکید کرد: ملت ایران با تکیه بر ایمان، مقاومت و تبعیت از ولایت، همانند گذشته از این مقطع حساس نیز با سربلندی عبور خواهد کرد.

وی با دعا برای تسجیل در فرج حضرت ولی‌عصر(عج) و عزت و اقتدار ایران اسلامی و توفیق ملت در ادامه مسیر شهدا، از همه آحاد جامعه خواست با حفظ وحدت، بصیرت و هوشیاری، در مسیر تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی گام بردارند

چرا سخنرانی «سید علی خمینی» در مجلس تحریم مهم است؟



مجلس برخاسته باشد، در میان مردم شکل گرفته بود. در روزهای تشییع و سوگواری، آنچه بیش از هر شعار و مطالبه دیگری به چشم می‌آمد، تأکید مردم بر خون‌خواهی و انتقام بود.

در مقابل نیز تلاش‌هایی برای کم‌رنگ‌کردن این مطالبه در فضای رسمی دیده می‌شد. با این حال، سخنران مهم‌ترین مجلس تحریم رهبر شهید انقلاب، ترجیح داد همین مطالبه را بازتاب دهد. البته او می‌توانست چنین انتخابی نداشته باشد. حتی اگر صدای مردم به گوش او رسیده باشد دلیلی ندارد که حتماً انتخاب او انعکاس این صدا باشد. اگر او پذیرای این صدا شده، نشان از فضیلت اوست. او ایمان خود به مردم را از خمینی کبیر به ارث برده است.

او نسبت به مردم انقلابی تواضع دارد. بر سر آن‌ها فریاد نمی‌زند، خود را عاقلی بالاتر از مردم که باید آن‌ها را کنترل کند نمی‌داند، او به حقانیت منویات مردم انقلابی ایمان دارد، آن‌ها را صاحب حق و صاحب انقلاب می‌داند و بر همین مبنا حتی محتوای بیانات خود را براساس منویات و مطالبات مردم مبعوث‌شده تنظیم می‌کند.

از همین روست که این مجلس و این سخنرانی به شدت متواضعانه برگزار شد. یکی از نقدهای جدی به بخشی از نخبگان انقلابی، شکل‌گیری نگاهی فخورانه و بالا به پایین نسبت به مردم است.

گویی مردم صرفاً باید شنونده و پیرو باشند. گویی مردم انقلابی زمینه طغیان‌گری دارند و اگر این‌ها کنترل نکنند، مردم انقلابی طغیان می‌کنند، این رذیلت است و به گناه ختم می‌شود.

در مقابل ایمان به مردم انقلابی که فضیلت است و به خیر می‌انجامد نگاه از بالا به مردم در حالی که مردم انقلابی از آن‌ها جلوترند، از آن‌ها بصیرترند، از آن‌ها ارادورزترند، از آن‌ها اهل قیام‌ترند، بیش از حد نارواست. مردم انقلابی، خود یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده به مسیر تحولات بودند.

این دو به هم رسیدند: «صدای مردم مجاهد» و «صدای عالم انقلابی»؛ عالمی که از اصول اسلام و مکتب خمینی کبیر می‌گوید. از این رو آرایش این صحنه حائز اهمیت است.

همین انتخاب است که عنوان «خمینی: یاور خامنه‌ای» را معنا می‌کند؛ یارِ‌ای که نه در تعارفات سیاسی، بلکه در هم‌صدایی با مردمی جلوه یافت که خود را پاسدار راه و آرمان رهبرشان می‌دانند.

قیام به احترام آقای شهیدمان



نوبت به تشییع تاریخی یکی از نواذر تاریخ رسید و ایران سراسر، شعار «باید برخاست» را تفسیر کرد و تهران و قم سنگ تمام گذاشتند. مردم با ظرافت می‌گفتند برای بدرقه یامده‌اند و صرفاً آمده‌اند بگویند «به امید دیدار»، چرا که به زودی در رکاب سرورمان حضرت ولیعصر(عج) زیارت‌ت خواهیم کرد ان‌شاءالله؛ بنابراین نیازی به وداع نیست. البته این بیت شکا‌هر حضرت سعدی، زمزمه مردم بود که می‌گفتند «من خود به چشم خویشتم، دیدم که جانم می‌رود»؛ واقعاً دیدیم که جان‌مان خط‌طور رفت، ولی دل‌خوش به این کلام الهی هستیم که می‌فرماید «وَلَا تُخْسِنُ الْزَّيْنِ قَبْلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْثُلًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» و هرگز گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»(آل عمران)، البته خیلی از اشک‌ها به حال خودمان بود که چرا آن‌گونه که باید، مقام این اولیاءالله را نشناختیم و برخی پاک‌سرشت‌ها هم از این خجل بودند که در سالیان دراز، به‌ویژه کونای د‌ی ۱۴۰۴، مرعوب جنگ روانی دشمنان بدذات این مرز و بودم شدند و در مقابل جبهه حق با فرماندهی آقای شهیدمان صف کشیدند و بعضاً بر صورت آفتاب جنگ انداختند. طبعاً جنگ‌زدن به آفتاب، آب در هاون کوبیدن است اما چنگ زنده‌ار و عنصری زنده و جنگی با فریاد «فیهَاتَ مَثَا الدَّلَّة» عهد بستند در امتداد همان «مشت گره کرده»، تشت رسوایی طبقه اُستین‌را بیش از پیش به زمین بکشند، کما اینکه همین الان هم صدای آن به دوردست‌ها هم رسیده است به طوری که «تارا اوگرادی» قهرمان ایرلندی ناوگان صمود گفته است «مشت گره کرده ایست‌الله خامنه‌ای در هنگام شهادت برای من نماد ایستادگی و مقاومت است». حاضران همچنین قول دادند غبار گنز زمان مانع تحقق دغدغه‌های مردم‌ات نشود؛ همان مردمی که پراسمادترین واژه تکراری در سخنرانی‌ها و بیانات آقای شهیدمان بود و این روز‌ها چنین قدرشناسی می‌کنند.

آن طلب شهادت کردند و پیش از آغاز آن مراسم تشییع باشکوه، در دیدار با خانواده حاج قاسم خطاب فرمودند: «او به آرزویش رسید، ان‌شالله ما خودمان هم به آرزوی مان برسیم» و نهایتاً الله به آرزوی دیرینه‌اش رساند و ثابت کرد همیشه هم شهدا را از آخر صف نمی‌چند. اصلاً اول و آخر صف مطرح نیست، مهم صفای باطن و خلوص نیت است که آقای شهیدمان هر دو را داشت و به قافله کربلا پیوست. ایرانی‌ها که یکی از ایرانی‌ترین ایرانی‌ها را برای راهبری امور مملکت‌شان انتخاب کرده بودند و به واسطه همین انتخاب صحیح مقابل رژی‌های غدار و سگ‌صفتی همچون رژیم تروریستی آمریکا و نیروی نیابتی‌اش، رژیم منحوس صهیونیستی ایستادگی می‌کنند شانه‌شان را از ۱۲۹ روز قبل، با دلی خونین و قلبی محزون، برای بدرقه پتری مهربان و اسامی عزیز آمده کرده بودند تا آن یگانه دوران را جایگاه والای ابدی‌اش بدرقه کنند و می‌گفتند برای تظہر قلوب خودشان هم که شده باشد می‌آیند چرا که از حضرت شمس، امام علی بن موسی الرضا(ع) شنیده‌اند که «کسی که جنازه ولی‌ای از اولیای ما را تشییع کند، از گناه خارج می‌شود، مثل روزی که از مادر متولد شده است و هیچ گناهی بر او نیست».(بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۹۸). البته دلیل‌شان فقط این نبود چرا که به نیکی می‌دانند آقای شهیدمان عمود خیمه حرم جمهوری اسلامی ایران بود و با حضورشان باید خلف صالح عمود این خیمه را تقویت کنند تا ملک و مملکت‌شان در این صراط با سری سربلند و قلبی با قوت طی طریق کنند و با خدای بزرگ ایشان عهد ببندند تا اهدافی که آقای شهیدمان برای آن شبانه‌روز زحمت کشیدند، جامه عمل بپوشانند.نهایتاً آن روز که هیچ‌کس فکر نمی‌کرد برای کسی که جانفدایش هستند، نماز خواهند خواند، رسید و مصلی تهران به عنوان میعادگاه آزادگان و با شرف‌ها، تک‌های از کربلا شد تا عزت ملی را رگ‌های غیرت این مرز و بودم به جریان بیندازد و نماتی نبودند از کشورهای مختلف منطقه و فرامقصد‌های حضور داشتند و آن با امنیت منطقه‌ای، راهبرد «دفاع بومی، آفند منطقه‌ای» و رفع محور قدرت ایران کهن ما تعریف کردند و این رویکرد امنیت ملی را در گرو همکاری با محور مقاومت و ژرفای راهبردی منطقه تعریف کرد و کشورمان را از یک قدرت صرفاً تدافعی به بازیگری تأثیرگذار در معادلات غرب آسیا تبدیل کرد و شاید به همین دلیل، نمازگزاران فقط ایرانی نبودند و از کشورهای مختلف منطقه و فرامقصد‌های حضور داشتند و یکدل گفتند «اللهم إنا لا نعلم منه إلا خيراً»، بله، پروردگار ما چیزی جز نیکی از ایشان ندیدیم.البته، هزار مرتبه بهتر از ما، ای‌تالله جوادی آملی گفتند: «اللهم انه نزل مجاهداً موحداً؛ خدایا، او در حالی به سوی تو آمده است که مجاهد و یکتاپرست بود، اللهم اللهم انه نزل عندک شهیداً؛ خدایا، خدایا، او نزد تو فرود آمده و در پیشگاه تو به‌عنوان شهید حاضر شده است، اللهم انه نزل عندک قتیلاً لاسلام قتیلاً لامه مسلماً؛ خدایا، او نزد تو آمده است در حالی که برای اسلام کشته شده و در راه امت مسلمان جان باخته است»، بعد از اقامه نماز،



تنگه هرمز بسته می ماند

■ تحولات اخیر در روابط ایران و آمریکا بار دیگر نشان داده است که پرونده مناسبات دو کشور همچنان در نقطه‌ای حساس و پیچیده قرار دارد؛ حملات اخیر آمریکا به نقاطی در داخل خاک ایران نیز سرآغاز دور تازه‌ای از تنش‌های نظامی و سیاسی میان دو کشور بوده است. نقطه‌ای که در آن، همزمان نشانه‌هایی از تداوم مسیر دیپلماسی دیده می‌شود و در مقابل، تحرکات سیاسی و امنیتی نیز بر دامنه ایهامات افزوده است.

این شرایط در حالی رقم خورده که اظهارات اخیر دونالد ترامپ درباره روند تعاملات با ایران، بیش از آنکه تصویری روشن از آینده ارائه دهد، پرسش‌های تازه‌ای را درباره راهبرد واقعی واشنگتن ایجاد کرده است.

ترامپ طی روزهای گذشته از یک سو به پایان آتش‌ریس اشاره کرده و از سوی دیگر، از ادامه مذاکرات سخن گفته است؛ موضوعی که از نگاه بیانگر رویکردی دوگانه در سیاست آمریکا است. این دوگانگی پیش از این نیز در قبال ایران مشاهده شده؛ به گونه‌ای که واشنگتن همواره تلاش کرده است همزمان با حفظ کانال‌های گفت‌وگو، از ابزار فشار سیاسی، اقتصادی و امنیتی نیز برای افزایش قدرت چانه‌زنی خود استفاده کند.

در همین چارچوب، یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث، سرنوشت یادداشت تفاهمی است که با هدف مدیریت تنش‌ها و ایجاد چارچوبی برای کاهش اختلافات میان دو طرف شکل گرفته بود. هرچند این تفاهم می‌توانست زمینه‌ساز کاهش تنش و حرکت به سمت ثبات بیشتر باشد، اما اکنون عدول آمریکا از تعهداتش سبب شده که بار دیگر بی‌اعتمادی به مهم‌ترین مانع پیش روی هرگونه توافق تبدیل شود.

در این میان، تنگه هرمز همچنان جایگاه تعیین‌کننده‌ای در مصادلات منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. این گذرگاه راهبردی که بخش مهمی از تجارت جهانی انرژی را از عبور می‌کند، همواره یکی از مؤلفه‌های اصلی موازنه قدرت در خلیج فارس بوده است. به همین دلیل، هرگونه تحول متوافق عدول کرده است؛ در حالی که روابط تهران و واشنگتن نیست و می‌تواند پیامدهایی فراتر از منطقه، به‌ویژه در بازارهای جهانی انرژی و اقتصاد بین‌الملل، به همراه داشته باشد.

همزمان، برخی ناظران بر این باورند که آمریکا در تلاش است میان دو مسیر «دیپلماسی» و «اعمال فشار» توازن برقرار کند؛ راهبردی که هدف آن حفظ اهرم‌های فشار در کنار باز نگه داشتن مسیر مذاکرات است. در مقابل، تهران نیز بارها اعلام کرده است که هرگونه توافق یا تفاهم، تنها در صورتی دوام خواهد داشت که طرف مقابل به تعهدات خود پایبند باشد و از اقدامات یکجانبه پرهیز کند.

بر همین اساس، آینده مذاکرات بیش از هر زمان دیگری به نحوه رفتار طرفین در قبال تعهدات، میزان اعتمادسازی و مدیریت اختلافات بستگی دارد.

اینکه واشنگتن در نهایت مسیر دیپلماسی را بر تشدید فشار ترجیح خواهد داد یا همچنان سیاست حرکت همزمان در دو مسیر را دنبال می‌کند، پرسشی است که پاسخ آن به مفاد توافق عدول کرده است؛ در حالی منطقه، امنیت خلیج فارس و آینده روابط ایران و آمریکا تأثیرگذار باشد.

در همین ارتباط، رضا میرابیان، کارشناس مسائل بین‌الملل، به بررسی آخرین تحولات روابط ایران و آمریکا، ارزیابی رفتار واشنگتن، وضعیت یادداشت تفاهم میان دو طرف و پیامدهای آن بر آینده مذاکرات و معادلات منطقه‌ای پرداخته است.

میرابیان درباره آخرین تحولات روابط ایران و آمریکا و وضعیت اجرای یادداشت تفاهم میان دو کشور، اظهار کرد: آمریکا یادداشت تفاهم را نقض کرده و با ایجاد آنچه از آن به عنوان «کریدور عمانی» یاد می‌شود، از مفاد توافق عدول کرده است؛ در حالی که چنین موضوعی اساساً در یادداشت تفاهم پیش‌بینی نشده بود. وی افزود: بر اساس توافق، مدیریت تنگه هرمز در این ۶۰ روز بر عهده جمهوری اسلامی ایران بود، اما اقدامات آمریکا در نقض تعهدات، شرایط را به سمتی سوق داد که ایران اعلام کند تنگه هرمز تا اطلاع ثانوی بسته خواهد ماند.

سفر سابق ایران در کویت با بیان اینکه آمریکا تلاش کرده اهداف خود را خارج از چارچوب مذاکرات دنبال کند، تصریح کرد: آنچه آمریکایی‌ها پشت میز مذاکرات به دست نیاوردند، تلاش کردند در میدان به دست آورند، اما این اقدامات تغییری در ماهیت موضوع ایجاد نمی‌کند.

میرابیان ادامه داد: از آنجا که تنگه هرمز برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت راهبردی دارد، اعلام کرده‌ایم این تنگه تا زمانی که طرف مقابل به شرایط و تعهدات مندرج در یادداشت تفاهم بازنگردد بسته خواهد ماند.

وی با تأکید بر آمادگی ایران برای ادامه این وضعیت، گفت: جمهوری اسلامی ایران در جنگ ۴۰ روزه نشان داد که توان مقاومت و مدیریت شرایط را دارد، اما آمریکایی‌ها از چنین آمادگی و ظرفیتی برخوردار نیستند.

میرابیان در پایان خاطرنشان کرد: شرایط حوزه انرژی و سوخت همچنان برای آمریکا و اروپا چالش‌برانگیز است و ذخایر نفتی آمریکا نیز به سطح مطلوب نرسیده است. از این رو، آمریکا در این شرایط آسیب‌پذیرتر است و در صورت تداوم درگیری‌ها، ممکن است با شرایط دشوارتری مواجه شود.

۴۵۰ جنگ و میلیون ها کشته



عملی بر کوبا بود. آمریکا با این جنگ تلاش داشت جایگاه خود را به ردیف قدرت‌های بزرگ امپریالیستی جهان ارتقا دهد. ایجاد نمونه اولیه از مداخلات امپریالیستی و تفسیر رژیم‌ها در خارج از قاره و همچنین تلاش آشکار برای گشودن بازارهای تجاری و تأمین گذرگاه‌ها و پایگاه‌های دریایی از دیگر اهداف این جنگ بود.جنگ فیلیپین و آمریکا: از سال ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۲ که با هدف تحکیم کنترل مستقیم استعماری آمریکا بر فیلیپین تا اواسط قرن بیستم صورت گرفت. تأمین شبکه پایگاه‌های نظامی برای حفاظت از مسیرهای تجاری در اقیانوس آرام و گسترش نفوذ استراتژیک مستقیم ایالات متحده به عمق قاره آسیا از دیگر اهداف واشنگتن در این جنگ بود. این جنگ نمونه‌ای خشن از جنگ‌های ضد شورش و سرکوب جنبش‌های آزادی‌بخش ملی توسط آمریکا به شمار می‌رود.جنگ‌های جهانی و جنگ سرد:دو جنگ جهانی اول و دوم گرچه ذاتاً توسط آمریکا آغاز نشد، اما تا حد زیادی در تأمین منافع بین‌المللی آمریکا و تغییر موازنه‌های بین‌المللی به نفع این کشور تأثیرگذار بود. این تأثیر تا حدی بود که بعد از پایان جنگ جهانی دوم، آمریکا خود را به عنوان قدرت بلامنازع در عرصه بین‌المللی نشان داد و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در نتیجه جنگ سرد، نظام تک قطبی با حاکمیت آمریکا رسماً آغاز شد.جنگ کره از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ به طول انجامید. پایان این درگیری با توافق آتش‌بس، تقسیم شبه‌جزیره کره و بازنگردنمی اتحادها در این منطقه همراه بود. این جنگ بدون اعلان رسمی جنگ و برای اجتناب از محدودیت‌های اعلان جامع و رویارویی مستقیم گسترده انجام شد.جنگ ویتنام از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۳طول کشید. نتایج اصلی این جنگ گرفتار شدن آمریکا در یک فرآیند فرسایشی طولانی همراه شد که با خروج نیروهای آمریکایی از این منطقه در سال ۱۹۷۳ به پایان رسید. کاهش اعتماد داخلی در داخل آمریکا و فرسایش مشروعیت مداخله نظامی خارجی و نهادهای سیاسی از مهمترین نتایج این جنگ بود.جنگ ویتنام نمونه‌ای از جنگ‌های فرسایشی طولانی و پرهزینه بود که بدون اعلان رسمی و با تکیه بر تفویض اختیارات اجرایی انعطاف‌پذیر برای کنترل صحنه عملیات انجام شد.جنگ های پس از دوران جنگ سرد:این جنگ‌ها که پس از سال ۱۹۹۱ انجام شد، با توجه به فضای تک‌قطبی در عرصه بین‌المللی، زمان طولانی و ائتلاف‌های پیچیده و نوع ترکیبی جنگ‌ها، نشان‌دهنده تحولات بزرگ در استفاده از قدرت در آمریکا بود. این جنگ‌ها پیلگر گذار آمریکا از منطق تک‌قطبی متکی بر برتری فناوری به غرق شدن در جنگ‌های فرسایشی، ضربات محدود و ائتلاف‌های منطقه‌ای پیچیده است.

ائتلاف ضد چینی پکس سیلیکا



سیاست خارجی چندجانبه‌گرایی قزاقستان قابل تحلیل است که در حال فاصله گرفتن از روسیه و ادغام گسترده در ساختارهای اروپایی و آمریکایی است.نخستین انگیزه، جذب سرمایه خارجی است. توسعه صنایع فراآوری مواد معدنی و صنایع نیمه‌هادی نیازمند سرمایه و فناوری غربی است؛ موضوعی که Pax Silica می‌تواند آن را تسهیل کند. دومین انگیزه، انتقال فناوری است. قزاقستان می‌خواهد به جای صادرات سنگ معدن، وارد زنجیره تولید باتری، نیمه‌هادی و تجهیزات هوش مصنوعی شود. عامل سوم نیز، تنوع‌بخشی به شرکای خارجی است. اگرچه چین شریک اقتصادی بزرگی برای قزاقستان باقی خواهد ماند اما رهبران این کشور تمایل دارند وابستگی بیش از حد به هیچ قدرتی نداشته باشند و میان آمریکا، اروپا، چین و روسیه توازن برقرار کنند. عامل چهارم، توسعه اقتصاد دیجیتال است. دولت قزاقستان هوش مصنوعی را یکی از ارکان اصلی برنامه توسعه ملی معرفی کرده و Pax Silica را فرصتی برای ایجاد مراکز داده، آموزش نیروی متخصص و توسعه اکوسیستم نوآوری می‌داند. اهمیت ژئوپلیتیکی عضویت قزاقستان در پکس سیلیکا را نیز نباید از یاد برد. ورود قزاقستان به این ابتکار پیامدهای ژئوپلیتیکی قابل توجهی دارد. نخست آنکه آمریکا برای نخستین بار جای پای رسمی در شبکه فناوری آسیای مرکزی پیدا می‌کند. دوم آنکه این اقدام نشان می‌دهد رقابت آمریکا و چین از شرق آسیا به آسیای مرکزی نیز گسترش یافته است.برای واشنگتن، قزاقستان تنها یک تولیدکننده مواد معدنی نیست، بلکه می‌تواند به قطب فراآوری مواد اولیه و حتی میزبان زیرساخت‌های مرتبط با اقتصاد هوش مصنوعی تبدیل شود. این امر ظرفیت کاهش وابستگی زنجیره‌های غربی به چین را افزایش می‌دهد. واکنش احتمالی چین، تا به امروز، واکنش رسمی و مفصل پکن به عضویت قزاقستان در Pax Silica محدود بوده است، اما با توجه به سیاست‌های شناخته‌شده چین، می‌توان چند سناریوی محتمل را مطرح کرد:نخست اینکه، چین احتمالاً این ابتکار را بخشی از سیاست مهار پیشرفت خود در عرصه فناوری تلقی خواهد کرد؛ زیرا مقام‌های آمریکایی نیز آشکارا هدف کاهش وابستگی به چین را مطرح کرده‌اند. دوم اینکه، انتظار این‌رود پکن تلاش برای روابط اقتصادی خود با قزاقستان را بیش از پیش تقویت کند. چین طی سال‌های گذشته میلیاردها دلار در زیرساخت‌ها، خطوط ریلی، انرژی و معادن قزاقستان سرمایه‌گذاری کرده است و احتمالاً با ارائه سرمایه، وام و پروژه‌های جدید خواهد کوشید جذابیت همکاری با خود را حفظ کند.سوم اینکه، چین احتمالاً توسعه ظرفیت فراآوری داخلی و همچنین سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر را سرعت خواهد بخشید تا برتری خود را در بازار مواد معدنی حفظ کند.

آمریکا از زمان تأسیس موجودیت خود طی ۲۵۰ سال گذشته در چارچوب تلاش برای ملت سازی و توسعه داخلی خود و سلطه جهانی بر کشورهای دیگر و در نهایت مسلط شدن بر منطقه خاورمیانه و آفریقا، جنگ‌های متعددی را آغاز کرده است.آمریکا از سال ۱۷۷۶ حدود ۴۰۰ مداخله نظامی انجام داده که پس از پایان جنگ سرد سرعت آن بهطور چشمگیری افزایش یافته است. این جنگ‌ها هزینه‌های اقتصادی و انسانی هنگفتی برای دنیا به بار آورده اند؛ به طوری که هزینه تخمینی جنگ‌های پس از ۱۱ سپتامبر با احتساب هزینه‌های مجروحان جنگی و بهره واما به حدود ۶.۴ تریلیون دلار می‌رسد و صدها هزار کشته و میلیون‌ها آواره برجای گذاشته است.قانون اساسی آمریکا اختیار اعلان جنگ را به کنگره و فرماندهی کل قوا را به رئیس‌جمهور داده است. در نظام حقوقی آمریکا، بین «اعلان جنگ» (که به حالت جنگ کامل منجر می‌شود) و «تفویض اختیار استفاده از نیروی نظامی» (که به رئیس‌جمهور اجازه استفاده از قدرت علیه دولت‌ها یا سازمان‌های مشخص را بدون اعلان رسمی جنگ می‌دهد) تمایز وجود دارد.آمریکا در قرن نوزدهم جنگ‌ها را با توجیهاتی چون حفظ حاکمیت، ملت‌سازی و گسترش قلمرو خود آغاز می‌کرد. آنها هدف از این جنگ‌ها را تأمین مرزها، تصاحب زمین‌های حاصلخیز و گسترش نفوذ تجاری می‌دانستند که منجر به جنگ علیه بومیان و درگیری با قدرت‌های همسایه شد. سیاستمداران آمریکایی معتقد بودند که اشغال سرزمین‌های جدید و گسترش مدل آمریکایی، ضرورتی برای پیشبرد تمدن و آزادی است.در مرحله گذار به قدرت جهانی که پس از اعلام استقلال آمریکا شکل گرفت ، این کشور با توجیهاتی چون گشودن بازارهای جدید، تأمین گذرگاه‌های دریایی و رقابت با قدرت‌های اروپایی، جنگ افروزی علیه دیگران را آغاز کرد. مهار کمونیسم یکی دیگر از بهانه‌های جنگ افروزی دولت‌های آمریکا بود، اما پس از فروپاشی شوروی، بهانه های جنگ تغییر کرد و بر حفظ ثبات منطقه‌ای، تأمین منابع نفتی، مبارزه با تروریسم و جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی متمرکز شد.مهم‌ترین جنگ‌های آمریکاهمانطور که گفته شد، آمریکایی‌ها در طی ۲۵۰ سال موجودیت خود، صدها جنگ را در جهان به راه انداخته‌اند. این جنگ ها صرف نظر از میلیون‌ها کشته و آواره که در طول این مدت به جای گذاشته است، اثبات می کند که ادعاهای مربوط به تمدن، آزادی و دموکراسی و حقوق بشر که طی ده سال اخیر باعث آتش افروزی آمریکا علیه کشورهای دیگر شده است، بهانه هایی بیش نیستند و آمریکایی ها در طول این مدت همواره به دنبال تأمین منافع خود و غارت کشورهای دیگر بوده‌اند. شبکه الجزیره در گزارشی در این خصوص تلاش کرده به مهمترین جنگ‌هایی که آمریکا در این مدت وارد آنها شده است، بپردازد:جنگ‌های قرن نوزدهم و توسعه اولیه،جنگ‌های این دوره، منعکس کننده گذار از «توسعه قاره‌ای» و تسلط بر آمریکای شمالی به «توسعه خارجی» و گسترش نفوذ در آن سوی اقیانوس‌ها و سرزمین‌های دورست است. البته، جنگ مکزیک و آمریکا از سال ۱۸۴۶ تا ۱۸۴۸ انجام شده و به کشته شدن ۱۷۳۳ نظامی و شرکت ۷۸۷۱۸ سرباز آمریکایی در جنگ منتهی شد. مهمترین نتیجه این جنگ تصاحب مساحت‌های وسیعی شامل کالیفرنیا، نیومکزیکو و تگزاس و تکمیل نهایی گسترش قلمرو آمریکا تا اقیانوس آرام بود.جنگ اسپانیا و آمریکا در سال ۱۸۹۸ صورت گرفت که هدف از آن تصاحب پورتوریکو، گوام و فیلیپین و کنترل



جدیدترین بیانیه سنتکام

■ نقل از الجزیره، فرماندهی نیروهای تروریستی مرکزی آمریکا موسوم به سنتکام اعلام کرد که سومین دور از تجاوزات این کشور علیه ایران به پایان رسیده است.

در بیانیه صادره از سوی سنتکام ادعا شده است که ۱۴۰ هدف نظامی در ایران مورد اصابت قرار گرفته است.

در ادامه این بیانیه ادعا شده است که طی سه شب بیش از ۳۰۰ هدف در راستای تضعیف قدرت ایران برای هدف قرار دادن کشتی ها در تنگه هرمز مورد اصابت قرار گرفته است. این اهداف شامل سایت های موشکی، پهپادی، انبارهای تسلیحاتی و شبکه های ارتباطی و نظارتی ساحلی بوده است.

این در حالی است که اکثر اهداف مورد تجاوز قبلی از سوی آمریکا در خط ساحلی ایران قایق های شهری متعلق به صیادان جنوبی بوده است.

نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شب گذشته اعلام کرد: تنگه هرمز تا اطلاع ثانوی و تا پایان مداخلات آمریکا مسدود است. در اطلاعیه قبلی گفته بودیم مداخلات بیگانگان و تعیین مسیر غیرقانونی حرکت کشتی ها در تنگه هرمز، برخورد قاطع ما را به دنبال خواهد داشت و روند افزایش تردها در تنگه را با اخلال مواجه خواهد کرد. ساعاتی قبل، این تذکرات نادیده گرفته شد و با تحریرک بیگانگان چند کشتی تلاش کردند از مسیر غیرمصوب حرکت کنند و به اخطارها و تذکرات ما در اصلاح مسیر و حرکت در مسیر مصوب بی اعتنایی کردند.

به ناچار یک فروند کشتی که با خاموش کردن سامانه‌های خود امنیت دریایی را به مخاطره افکنده بود؛ مورد اصابت شلیک_خطر واقع و متوقف شد.

به دنبال این حادثه، اولاً با توجه به بروز این نامنی به سبب مداخله غیرقانونی بیگانگان، تنگه هرمز تا اطلاع ثانوی و تا پایان مداخلات آمریکا در این منطقه بسته و هیچ شناوری اجازه تردد نخواهد داشت، ثانیاً اگر دشمن متجاوز به بهانه این حادثه که خود، مسبب آن بوده است، خطایی کند و تجاوز جدیدی علیه ما داشته باشد با شدت پاسخ داده خواهد شد و پایگاه‌های جدیدی از دشمن در منطقه مورد هدف قرار خواهد گرفت.

عواقب چنین مداخله‌ای بر عهده دشمن آمریکایی - صهیونی و کشورهای است که خاک خود را برای این تهدیدات در اختیار پایگاه دشمن گذاشته‌اند.

■ رقابت راهبردی میان ایالات متحده و چین طی سال‌های اخیر از حوزه تجارت و تعرفه‌های گمرکی فراتر رفته و به رقابت بر سر کنترل فناوری‌های پیشرفته، هوش مصنوعی، نیمه‌های‌ها و مواد معدنی حیاتی کشیده شده است. اگر در دهه‌های گذشته نفت و گاز مهم‌ترین منابع ژئوپلیتیکی محسوب می‌شدند، امروز عناصر نادر خاکی مانند گالیوم، ژرمانیوم، لیتیوم، تانتالوم، تنگستن، سیلیکون و سایر مواد معدنی راهبردی به مهم‌ترین دارایی‌های عرصه اقتصاد دیجیتال تبدیل شده‌اند. هر سامانه هوش مصنوعی، هر مرکز داده، هر تراشه پیشرفته و هر زیرساخت محاسباتی به زنجیره‌ای پیچیده از این مواد وابسته است. در چنین شرایطی، دولت آمریکا در اواخر سال ۲۰۲۵ ابتکار جدیدی با عنوان Pax Silica را پایه‌گذاری کرد؛ ابتکاری که هدف آن ایجاد یک اکوسیستم فناوری و صنعتی میان کشورهای همسو برای کاهش وابستگی به چین در کل زنجیره ارزش هوش مصنوعی است. برخلاف ابتکارهای آمریکایی مانند مشارکت امنیت مواد معدنی (Minerals Security Partnership) که عمدتاً بر استخراج مواد معدنی تمرکز دارند، Pax Silica کل چرخه تولید از استخراج تا معدن تا ساخت تراشه، مراکز داده، ارتقای زیرساخت های انرژی، توسعه مدل‌های هوش مصنوعی و تربیت نیروی انسانی را در بر می‌گیرد. پیوستن قزاقستان به این ابتکار در ژوئن ۲۰۲۶ از چند جهت اهمیت ویژه‌ای دارد. این کشور نخستین عضو این ائتلاف از آسیای مرکزی محسوب می‌شود و از دیدگاه وابستگی، دولت آمریکا در اواخر سال ۲۰۲۵ پکترا جدیدی اوراسیا و زنجیره فناوری غرب باشد. از سوی دیگر، این تحول مستقیماً بر رقابت ژئوپلیتیکی آمریکا و چین در آسیای مرکزی اثر می‌گذارد؛ منطقه‌ای که طی دو دهه گذشته یکی از مهم‌ترین عرصه‌های نفوذ اقتصادی چین بوده است. پکس سیلیکا چیست؟ نام Pax Silica از دو مفهوم تشکیل شده است: «Pax» به معنای نظم یا صلح مبتنی بر قدرت و «Silica» که به سیلیکون و زنجیره فناوری‌های مبتنی برانواع نیمه‌های اشاره دارد. انتخاب این نام تصادفی نیست. همان‌گونه که در قرن بیستم اصطلاح Pax Americana به نظم اقتصادی و امنیتی تحت رهبری آمریکا اشاره داشت، Pax Silica نیز تلاشی برای ایجاد نظم جدید در دنیای فناوری تحت رهبری واشنگتن است. هدف اصلی این ابتکار ایجاد زنجیره‌های تأمین قابل اعتماد (Trusted Supply Chains) برای ارتقای اقتصاد مبتنی بر هوش مصنوعی است. این زنجیره از استخراج مواد معدنی آغاز می‌شود و تا تولید نیمه‌های‌ها، ساخت مراکز داده، توسعه زیرساخت انرژی، کابل‌های فیبر نوری، رایش ابری، مدل‌های هوش مصنوعی و صادرات فناوری ادامه پیدا می‌کند. بر اساس اسناد منتشرشده، این ابتکار چند محور اساسی را دنبال می‌کند که عبارتند از: تنوع‌بخشی به منابع مواد معدنی حیاتی؛ کاهش وابستگی به چین در پالایش و فراآوری مواد معدنی؛ هماهنگی میان کشورهای عضو در کنترل صادرات فناوری‌های حساس؛ توسعه سرمایه‌گذاری مشترک در صنایع نیمه‌هادی و هوش مصنوعی؛ ایجاد مراکز داده و زیرساخت‌های انرژی مورد نیاز اقتصاد هوش مصنوعی و همکاری علمی، آموزشی و پژوهشی در حوزه فناوری‌های نوظهور. زمینه‌های شکل‌گیری ائتلاف ،تولد Pax Silica بدون شناخت کافی از شدت رقابت آمریکا و چین قابل درک نیست. طی دو دهه گذشته چین با سرمایه‌گذاری عظیم توانست تقریباً بر تمامی حلقه‌های زنجیره

افزایش نرخ بهره، پول جدیدی وارد بانک‌ها نمی‌کند



اساساً چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد.

چرا حجم پول بانک‌ها با افزایش نرخ بهره تغییر نمی‌کند؟

نوربخش در ادامه با طرح این پرسش که آیا افزایش نرخ بهره باعث نمی‌شود مردم پول خود را به بانک‌ها بسپارند و حجم منابع بانک‌ها افزایش یابد، پاسخ داد: خیر، به این صورت نیست.

وی توضیح داد: حجم پولی که در شبکه بانکی وجود دارد، صرف افزایش یا کاهش نرخ بهره، ذره‌ای تغییر نمی‌کند.

بسیاری تصویری می‌کنند اگر نرخ بهره کاهش پیدا کند، سپرده خود را از بانک خارج کرده و مثلاً با آن طلا یا ارز می‌خرند، بنابراین پول از بانک خارج شده است؛ در حالی که این برداشت نیز صحیح نیست، این اقتصاددان افزود: برای درک بهتر این موضوع باید توجه داشت که در اقتصاد امروز، بخش عمده پول به‌صورت سپرده‌های بانکی وجود دارد و هنگام خرید و فروش دارایی‌ها، معمولاً تنها مالک حساب بانکی تغییر می‌کند، نه اینکه پول از شبکه بانکی خارج شود. به بیان ساده، جابه‌جایی سپرده میان افراد با خروج پول از بانک‌ها تفاوت دارد. نوربخش در همین باره گفت: اگر من پولم را از حساب بانکی برداشت کنم و با آن دلار یا سکه بخرم، در نهایت فروشنده همان پول را دوباره به حساب بانکی خود واریز می‌کند.

وی افزود: حتی اگر پول نقد را داخل گونی بگذارید و به فروشنده

یک اقتصاددان با تأکید بر اینکه افزایش نرخ بهره پول جدید وارد بانک‌ها نمی‌کند، تصریح کرد: این یکی از بزرگ‌ترین سوءبرداشت‌های اقتصاد ایران است.

در حالی که طی هفته‌های اخیر بار دیگر موضوع نرخ بهره و سیاست‌های بانک مرکزی به یکی از مهم‌ترین محورهای تحلیل در بازارهای مالی تبدیل شده، بحث درباره آثار افزایش یا کاهش نرخ سود بر بازار سرمایه، بازار ارز، بازار مسکن و شبکه بانکی نیز بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است.

هر بار که زرمزه تغییر نرخ‌های سود به میان می‌آید، بخشی از فعالان اقتصادی معتقدند افزایش نرخ بهره موجب ورود نقدینگی به بانک‌ها و خروج سرمایه از سایر بازارها می‌شود و در مقابل، کاهش نرخ بهره نیز پول را از بانک‌ها خارج کرده و به سمت بازارهای دارای هادایت می‌کند.

این نگاه اگرچه سال‌هاست در فضای اقتصادی کشور تکرار می‌شود، اما بسیاری از اقتصاددانان معتقدند چنین برداشتی با سازوکار واقعی نظام بانکی و گردش پول در اقتصاد فاصله دارد. به باور آنان، آنچه میان بازارهای مختلف جابه‌جا می‌شود، مالکیت سپرده‌هاست، نه اصل پول موجود در شبکه بانکی.

از همین رو، بررسی دقیق نحوه اثرگذاری نرخ بهره بر متغیرهای پولی، می‌تواند به اصلاح یکی از مهم‌ترین برداشت‌های رایج در تحلیل‌های اقتصادی کمک کند.

در همین زمینه، محمد نوربخش، اقتصاددان، تحلیلگر ارشد بازارهای مالی و کارشناس خبره بازار سرمایه، در ادامه گفت‌وگوی پیشین خود با عنوان «تغییر نرخ بهره در شرایط تورمی اجتناب ناپذیر است»، ابتدا به یکی از رایج‌ترین کلیشه‌های موجود درباره نرخ بهره می‌پردازد و تلاش می‌کند با تشریح سازوکار گردش پول در شبکه بانکی، این برداشت را به چالش بکشد.

این اقتصاددان در همین باره تأکید کرد: تصور رایج مبنی بر اینکه افزایش نرخ بهره موجب ورود پول به بانک‌ها و کاهش آن باعث خروج پول از شبکه بانکی می‌شود، از اساس نادرست است و با واقعیت عملکرد نظام پولی همخوانی ندارد.

نخستین کلیشه درباره نرخ بهره: آیا افزایش سود بانکی پول را وارد بانک‌ها می‌کند؟

نوربخش در ابتدای سخنان خود با اشاره به برخی باورهای رایج در فضای اقتصادی کشور اظهار کرد: در گام اول می‌خواهم به کلیشه‌ها بر برداشت‌های نادرستی که درباره نرخ بهره و اثر آن بر بانک‌ها در بازار مطرح می‌شود بپردازم، آنها را کنار بگذاریم و سپس به واقعیت برسیم.

وی ادامه داد: اولین کلیشه این است که گفته می‌شود افزایش نرخ بهره باعث ورود پول به بانک‌ها می‌شود. بسیاری تصور می‌کنند زمانی که بانک‌ها نرخ سود را افزایش می‌دهند، منابع مالی از بازار ارز، بازار مسکن، بازار سرمایه و سایر بازارها خارج شده و وارد بانک‌ها می‌شود.

این اقتصاددان با رد این برداشت تأکید کرد: این تصور کاملاً اشتباه است. اینکه افزایش نرخ بهره یا برعکس، کاهش نرخ بهره، موجب ورود یا خروج پول از بانک‌ها می‌شود، از نظر ریشه‌ای نادرست است و



مسدودسازی حساب‌های فعالان اقتصادی

علی القاصی، رئیس کل دادگستری استان تهران در پی نامه‌نگاری رئیس اتاق تهران و طرح درخواست اصلاح رویه مسدودسازی حساب‌های بانکی صاحبان واحدهای تولیدی و فعالان اقتصادی در نشست مشترک اتاق تهران و دادگستری استان، طی ابلاغیه‌ای تصریح کرد که در صورت ضرورت وصول مطالبات از محل حساب‌های بانکی محکوم‌علیه اعم از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی، باید به میزان مبلغ بدهی و هزینه‌های اجرایی از موجودی حساب‌ها توقیف شده و از مسدودسازی همه حساب‌های بانکی خودداری شود.

پس از آنکه رئیس اتاق تهران در مکاتبه با رئیس سازمان بازرسی استان تهران، اصلاح رویه مسدودسازی حساب‌های بانکی را خواستار شد، رئیس کل دادگستری استان با صدور ابلاغیه‌ای خطاب به مراجع قضایی از جمله دادستان تهران و سازمان‌های تأمین اجتماعی و امور مالیاتی بر اجرای صحیح قوانین در فرآیند وصول محکوم‌به (بدهی قطعی) تأکید کرد و خواستار توقف رویه مسدودسازی کلیه حساب‌های بانکی اشخاص و بنگاه‌های اقتصادی در صورت احراز بدهی شد.

بر اساس اعلام اتاق بازرگانی تهران، رئیس کل دادگستری استان تهران در این ابلاغیه اعلام کرده است: یکی از جهات و عوامل تهدید محیط کسب و کار به نحوه عملیات اجرایی در جهت وصول محکوم‌به (بدهی قطعی) برخی احکام صادره از شعب سازمان‌های تأمین اجتماعی، امور مالیاتی و مراجع قضایی کشور مربوط می‌شود. او در ادامه این نامه نوشته است: به موجب مقررات متعدد از قبیل ماده ۱۹ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، مواد ۴۹ و ۵۱ از قانون اجرای احکام مدنی، ماده ۲۱۱ قانون مالیات‌های مستقیم، مواد ۴۵، ۴۶، ۴۹ و ۹۹ از قانون تأمین اجتماعی، مواد ۲۶، ۳۷ و ۳۸ از آییننامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی، عملیات اجرایی در جهت وصول محکوم‌به از موجودی حساب‌های بانکی محکوم علیه، نباید به توقیف و مسدودی حساب‌های بانکی محکوم‌علیه منتهی شود، بلکه صرفاً باید به میزان محکوم به و از وجهه موجود در حساب های بانکی محکوم‌علیه توقیف شود.

رئیس کل دادگستری استان تهران در ادامه این ابلاغیه آورده است که گزارش‌های واصله از دبیر شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی استان تهران و شکایت و اعتراضات متعدد و متکثر از مدیران واحدهای تولیدی و فعالان اقتصادی کشور حکایت از آن دارد که در برخی موارد در مکاتبات ارسالی از جانب واحدهای اجرای احکام شعب تأمین اجتماعی، امور مالیاتی و مراجع قضایی و متعاقباً در اقامات و عملکرد مدیران شعب بانک‌های عامل با نقض مقررات مربوطه، نسبت به مسدودی تمامی حساب‌های بانکی محکوم‌علیه نزد تمامی بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی اقدام می‌شود.

در این نامه به مراجع ذی‌ربط دستور داده شده است که هرگاه به دلیل نبود سایر اموال، وصول محکوم‌به از محل حساب‌های بانکی ضرورت پیدا کند، اولاً از مسدودسازی تمامی حساب‌های بانکی محکوم‌علیه جدا خودداری شود و ثانیاً، فقط تا میزان محکوم‌به و هزینه‌های اجرایی (نه بیشتر) از حساب‌های بانکی محکوم‌علیه توقیف شود و نه اینکه به میزان محکوم‌به در تمامی حساب‌های بانکی محکوم‌علیه مسدود شود.

صدور این ابلاغیه پس از آن صورت گرفت که محمود نجفی عرب، رئیس اتاق تهران و دبیر شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان، طی نامه‌ای به افشین سپهرباخان، بازرس کل استان تهران، خواستار پیگیری حسن اجرای قوانین و مقررات از سوی مراجع قضایی شد.

در نامه رئیس اتاق تهران به این نکته اشاره شده بود که بانک‌ها پس از دریافت بازداشت‌نامه‌های صادره از سوی سازمان تأمین اجتماعی، سازمان امور مالیاتی و سایر مراجع قانونی، به جای توقیف مبلغ معین و موجود در زمان وصول بازداشت‌نامه، تمامی حساب‌های بانکی اشخاص را مسدود می‌کنند؛ اقدامی که ناقض اصول، قوانین و مقررات است.

نجفی عرب در این نامه با استناد به اصل ۲۲ قانون اساسی، اصل تناسب و ضرورت، ماده ۱۹ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، مواد ۴۹ و ۵۱ قانون اجرای احکام مدنی، ماده ۲۱۱ قانون مالیات‌های مستقیم، ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی و مواد ۳۴ تا ۳۸ آیین‌نامه اجرایی آن، استدلال کرده است که قوانین موجود صرفاً توقیف معادل مبلغ بدهی را مجاز دانسته و هیچ‌یک از مقررات، مجوزی برای مسدودسازی کامل حساب‌های بانکی یا جلوگیری رئیس اتاق تهران در این نامفنگاری به تبعات تداوم رویه‌های مسدودسازی سایر خدمات بانکی و تسری بازداشت‌نامه به گردش‌های آتی، نه تنها مطابق قوانین و مقررات مذکور نبوده، بلکه موجب توقف چرخه فعالیت بنگاه‌های اقتصادی، عدم وصول چک و پیدایش معضل چک برگشتی، کاهش رتبه اعتباری فعال اقتصادی در سامانه‌های اعتبارسنجی، پیدایش تبعات قراردادی و کاهش اعتبار تجاری بنگاه اقتصادی می‌شود.

تحویل بدهید، او ناچار است آن را دوباره وارد شبکه بانکی کند؛ زیرا قرار است با آن معامله دیگری انجام دهد، سهام بخرد یا مبلغی را به حساب شخص دیگری منتقل کند.

این کارشناس بازار سرمایه ادامه داد: فرض کنید فردی سهام خود را فروخته است؛ پول حاصل از فروش سهام به حساب او واریز می‌شود و او نیز همان پول را برای خرید کالا، خدمات یا دارایی دیگری به حساب شخص بعدی منتقل می‌کند. بنابراین پول در حساب‌های بانکی میان بازارهای مختلف در گردش است، نه اینکه از شبکه بانکی خارج شود.

وی با ذکر مثالی دیگر اظهار کرد: اگر نرخ بهره افزایش پیدا کند و شما دلار خود را بفروشید و پول آن را در بانک سپرده‌گذاری کنید، باید توجه داشت فردی که دلار را از شما خریده، پول آن را از حساب بانکی خودش پرداخت کرده است. بنابراین حجم کل سپرده‌های بانکی تغییری نکرده و تنها مالک سپرده تغییر کرده است.

نوربخش در پایان تأکید کرد: افزایش یا کاهش نرخ بهره، با فرض ثابت بودن سایر عوامل اقتصادی، به خودی خود هیچ اثری بر حجم کل نقدینگی یا مجموع سپرده‌های موجود در شبکه بانکی ندارد. بنابراین این تصور که تغییر نرخ بهره باعث ورود یا خروج پول از بانک‌ها می‌شود، با واقعیت سازوکار پولی اقتصاد سازگار نیست.

«مسکن کارگری» در محاق

و عرضه مسکن حمایتی» را با رویکرد حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، تعاونی، شهرداری‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی عملیاتی کند و نیز برای «تأمین زمین متقاضیان واجد شرایط مسکن در طرح‌های حمایتی دولت»، از زمین‌های تحت مالکیت و همچنین زمین‌های مستحصل از مواد ۱۰۹ و ۱۲ «قانون جهش تولید مسکن» استفاده و آنها را از طریق سامانه جامع طرح‌های حمایتی مسکن به واجدان شرایط واگذار کند.

علاوه‌بر این، در تبصره‌های همین ماده نیز تکالیف روشن دیگری بر عهده وزارت راه و شهرسازی گذاشته شده است؛ از جمله برنامه‌ریزی برای افزایش ظرفیت سکونتگاهی کشور در روستاها، شهرهای کوچک و میانی، مناطق مرزی و شهرک‌سازی و حتی امکان واگذاری ۹۹ ساله زمین برای تسهیل دسترسی مردم به مسکن.

همچنین در همین ماده، برای برخی طرح‌های حمایتی از جمله بافت فرسوده، مسکن روستایی و نهضت ملی مسکن، نسبت آن با قانون تأمین اجتماعی و قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی نیز مشخص شده تا بهانه‌ای برای توقف یا تعلیق اجرای پروژه‌ها باقی نماند.

حال پرسش اینجاست: وقتی قانون‌گذار در ماده ۵۰ برنامه هفتم، این‌چنین روشن و مستقیم، وزارت راه و شهرسازی را مکلف کرده است، چرا این قانون جدید نیز به سرتوشت همان قوانین معطل‌مانده قبلی دچار شده است؟

چرا وزارت راه و شهرسازی با وجود داشتن تکلیف رسمی، صریح و قانونی، هنوز پاسخ روشنی درباره میزان اجرای این ماده، تعداد زمین‌های واگذار شده، میزان تحقق مسکن حمایتی و سهم واقعی کارگران و مزدبگیران از این برنامه ارائه نمی‌دهد؟

اگر قانون است، اگر زمین پیش‌بینی شده، اگر ابزار حمایتی در متن قانون آمده، پس علت این تعلل چیست؟

آیا جز این است که «ترک‌فعل» از سطح بی‌اعتنایی به قوانین قدیمی، به بی‌اعتنایی به تازه‌ترین قانون مصوب کشور هم رسیده است؟

وزارت راه و شهرسازی باید به‌صورت شفاف پاسخ دهد که در قبال ماده ۵۰ برنامه هفتم چه کرده است؟

چند واحد مسکن حمایتی برای اقشار حقوق‌بگیر و کارگری تعریف شده است؟

چه میزان از اراضی موضوع قانون جهش تولید مسکن به‌طور واقعی برای مسکن اقشار کم‌درآمد و کارگران تخصیص یافته است؟

چرا کارگران که هم در اصل ۲۱ قانون اساسی و هم در قوانین کار و هم در سیاست‌های حمایتی مسکن، در زمره اولویت‌داران هستند، هنوز در عمل از این حق محروم مانده‌اند؟

مگر نه این است که قانون برنامه هفتم، آخرین سند بالادستی و تکلیف‌آور کشور است؟

پس چرا اجرای آن در وزارت متولی مسکن، معطل، مبهم و بی‌خروجی مانده است؟

اما خطاب ما کارگران به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و



دستگاه‌های نظارتی:

آیا در این سال‌ها از خود پرسیده‌اید که چرا این قوانین «معطل» مانده‌اند؟ چرا هیچ کارفرمای کلانی بابت عدم اجرای ماده ۱۴۹ مؤاخذه نشده است؟

چرا دولت‌ها و اکنون نیز وزارت راه و شهرسازی، به جای اجرای تکالیف قانونی خود در ماده ۱۴۹ قانون کار و ماده ۵۰ قانون برنامه هفتم، به مسیرهای تئوریزا و ارقام ناچیز ریالی روی آورده‌اند؟ چرا در برابر این حجم از ترک‌فعل، بازخواست جدی و مؤثر صورت نمی‌گیرد؟

این سکوت نظارتی، «مجوز قانونی» برای استثمار نیروی کار است. شما که در رأس نهادهای نظارتی نشست‌اید، می‌دانید که فاصله مزد تا خط فقر، ناشی از همین «عدم اجرای قانون» است.

کارگر وقتی دغدغه سرپناه دارد، وقتی نیم تا تمامی حقوقش را باید صرف اجاره‌ها کند، دیگر رمقی برای «رونق تولید» باقی نمی‌ماند. این یعنی ایجاد خط تولید «کارگر فقیر»، یعنی «بی‌کاری ارادی»، یعنی فرار نیروی کار ماهر به سمت مشاغل کاذب برای زنده‌ماندن.

سخن پایانی کارگر دیگر مسکن خیالی روی کاغذ نمی‌خواهد. کارگر فرهیخته و مولد ایرانی، خواستار اجرای بی‌کپوکاست قانون کار، اصل ۲۱ قانون اساسی، قانون جهش تولید مسکن و ماده ۵۰ قانون برنامه هفتم پیشرفت است.

این یک مطالبه صنفی نیست؛ یک «حق قانونی» است که قربانی بی‌توجهی دستگاه‌های ناظر و تعلل دستگاه‌های اجرایی شده است.

اگر دستگاه‌های نظارتی همچنان از وظیفه خود شانه خالی کنند و اگر وزارت راه و شهرسازی نیز همچنان در اجرای تکلیف روشن و رسمی خود تعلل ورزد، بحران معیشتی امروز، به بحران اجتماعی غیرقابل کنترلی بدل خواهد شد که هیچ کدام از مسکن‌های موقت فعلی، درم آن نخواهد بود.

یک فعال کارگری نوشت، کارگران زیر فشار دستمزدهای نامتناسب با تورم وسبد معیشت و نیز کابوس بی‌خانمانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و حق مسکن ۳میلیون تومانی حتی کفاف حق‌الزحمه مشاوراملاک را هم نمی‌دهد.

سه سال پیش در چنین روزهایی، از تریبون‌های مختلف فریاد زدیم که بن‌های نقدی ناچیز و حق مسکن‌های نمادین، نمتنها «مسکن» نمی‌شوند، بلکه دهن‌کجی به معیشت کارگران محسوب می‌شود.

امروز اما، در میانه فشارهای خردکننده «جنگ اقتصادی»، تورم افسارگسیخته و تحریم‌های ظالمانه، وضعیت از «ناکارآمدی» به «بحران بقا» رسیده است.

امروز، کارگر ایرانی زیر فشار دستمزدهای نامتناسب با تورم و سبد معیشت، از یک‌سوی با «بی‌کاری ارادی» و از سوی دیگر با کابوس بی‌خانمانی دست‌وپنجه نرم می‌کند.

حق مسکن ۳ میلیون تومانی، حتی کفاف حق‌الزحمه مشاور املاک را هم نمی‌دهد، چه رسد به تأمین سرپناه.

سؤال اینجاست: چرا قانون، تنها در کتب حقوقی اعتبار دارد و در میدان عمل به فراموشی سپرده می‌شود؟

قانون‌گذار در «اصل ۲۱ قانون اساسی» به‌صراحت دولت را مکلف کرده است: «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است».

دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، به ویژه روستاشناسان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.» همچنین در «ماده ۱۴۹ قانون کار» و «ماده ۱۵۳ قانون کار» تعهدات روشن و الزامی برای کارفرمایان و دولت پیش‌بینی شده که سال‌هاست در سایه‌ی «ترک‌فعل» مطلق، خاک می‌خورد.

۱. ماده ۱۴۹ قانون کار: کارفرمایان مکلفند با تعاونی‌های مسکن و در صورت عدم وجود این تعاونی‌ها، مستقیماً با کارگران فاقد مسکن، جهت تأمین خانه‌های شخصی مناسب همکاری لازم را بنمایند. کارفرمایان کارگاه‌های بزرگ مکلف به احداث خانه‌های سازمانی در جوار کارگاه یا محل مناسب دیگر هستند.

تبصره ۱: دولت موظف است با استفاده از تسهیلات بانکی و امکانات وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری‌ها و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط، همکاری لازم را بنمایند.

۲. ماده ۱۵۳ قانون کار: کارفرمایان مکلفند برای ایجاد و اداره امور شرکت‌های تعاونی کارگران کارگاه خود، تسهیلات لازم را از قبیل محل، وسایل کار و امثال این‌ها فراهم کنند.

طبق ماده ۱۷۳ قانون کار، تخلف از این مواد قانونی جرم محسوب شده و متخلفان علاوه‌بر رفع تخلف، باید جریمه‌های مقرر را بپردازند. اما اکنون دیگر فقط با قوانین قدیمی بر زمین‌مانده مواجه نیستیم. در «ماده ۵۰ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت» نیز قانون‌گذار بار دیگر و این‌بار صریح‌تر، وزارت راه و شهرسازی را مکلف کرده است که در طول اجرای برنامه، برای «زمینه‌سازی و تسهیل دسترسی به مسکن مناسب به‌ویژه برای افراد واجد شرایط» اقدام کند.

در این ماده، وزارت راه و شهرسازی موظف شده است «برنامه تولید

«جان ویک» در ژاپن فئودالی



به نقل از ویرایتی، انیمیشن استاپ موشن «هیداری» که با صداییشگی کیناو ریوز در دوران سامورایی ژاپن اتفاق می‌افتد، به تازگی توجه تماشاگران را در جشنواره انسی به خود جلب کرد؛ «جان ویک» در ژاپن فئودالی که توسط عروسک‌های چوبی اداره می‌شود!

این داستان از آثار هنرمند و نجار افسانه‌ای ژاپنی، هیداری جینگورو که گفته می‌شود در قرن هفدهم زندگی می‌کرد، الهام گرفته شده است.

ماساشی کاوامورا کارگردان فیلم در این باره گفت: هیچ‌کس نمی‌داند که آیا او واقعاً وجود داشته یا خیر. او با رمز و رازهای زیادی احاطه شده که من احساس کردم شخصیت بسیار جالبی برای استفاده به عنوان مرکز داستان من است. او آنقدر محبوب بود که حتی مردم می‌گفتند می‌تواند به چوب جان بختشد.

وی اضافه کرد: وقتی این را شنیدم، فکر کردم؛ این دقیقاً همان کاری است که ما در استاپ موشن انجام می‌دهیم، ما اشیاء بی‌جان را حرکت می‌دهیم و سعی می‌کنیم زندگی خلق کنیم.

کاوامورا تصمیم گرفت از مجسمه‌های چوبی استفاده کند؛ دقیقاً مانند مجسمه‌هایی که هیداری جینگورو واقعاً خودش ساخته است و مواد

تکنیک به بخشی از خود داستان تبدیل می‌شوند. کاوامورا، که این پروژه را با توضیحات کامل به تازگی در نمایشگاه انیمیشن انسی امسال در کن ارائه کرد، در پتل انسی با عنوان «یافتن یک دیدگاه مشترک: تولید مشترک با ژاپن» صحبت و تأکید کرد که هر فریم این استاپ موشن با دست ساخته شده است.

وی گفت: این نوع فیلمی است که ما می‌خواهیم بسازیم. «هیداری» یک فیلم اکشن سامورایی است که انرژی انفجاری انیمه را با زیبایی‌شناسی دست‌ساز استاپ موشن ترکیب می‌کند. در این داستان که بر انتقام متمرکز است، یک نجار جوان در حال بازسازی قلعه ادو است، اما ناگهان درگیر یک توطئه بی‌رحمانه می‌شود و مربی، نامزد و همچنین دست راست خودش را از دست می‌دهد. او زنده می‌ماند و خودش را از نو می‌سازد و تمام مهارت‌های نجاری و ابزارهایش را به سلاح تبدیل می‌کند. او برای خودش یک بازوی مصنوعی کشفده می‌سازد و با ارتشی از سربازان مکانیکی و در نهایت، ربانی که شروع به نابودی شهر ادو می‌کند، مبارزه می‌کند. کاوامورا با اشاره به اینکه آنها تاریخ واقعی را با عناصر فانتزی ترکیب کرده‌اند تا داستانی سرگرم‌کننده برای همه سنین بسازند، گفت: ما داریم همه این کارها

تبدیل نقص‌ها به نقطه قوت!

کشور سفر کردم. یکی از دشوارترین بخش‌های فیلم، سکانس تعقیب گوزن بود؛ جایی که تمام لرزش‌ها، خطاهای ناشی از حرکت سریع و تغییرات تصویر به‌صورت دستی طراحی و انیمیت شدند تا حس حضور واقعی دوربین در صحنه ایجاد شود. برق‌زدگان گفت: توجه جشنواره‌های خارجی به همین جزئیات فنی، یکی از دلایل موفقیت فیلم بوده است. این تجربه نشان می‌دهد نوآوری‌های فنی هم می‌توانند در کنار جنبه‌های هنری مورد توجه قرار بگیرند و برای انیمیشن ایران دستاورد ارزشمندی باشد. کارگردان «آخرین گوزن» درباره ریسک اجرای این شیوه متفاوت عنوان کرد: پیش از آغاز تولید مجموعه کاملی از تست‌ها و نمونه‌های اجرایی را به مرکز گسترش ارائه کردیم تا نتیجه هر ایده از قبل مشخص باشد. این آزمون و خطاها از میزان موجودگی حرکت تا نحوه ثبت سوزه، باعث شد ریسک پروژه کاهش پیدا کند و در زمان تولید نیز امکان اجرای ایده‌های تازه فراهم شود. برق‌زدگان درباره تفاوت رویکرد جشنواره‌های بین‌المللی و داخلی در حوزه انیمیشن گفت: جشنواره‌های جهان هر کدام با رویکرد مشخصی برگزار می‌شوند. برخی بر تکنیک ساخت تمرکز دارند، برخی روایت و جهان‌بینی فیلمساز را ملاک ارزیابی قرار می‌دهند، گروهی به آثار تجربی توجه می‌کنند و برخی دیگر نیز موضوع‌محور هستند؛ مانند جشنواره‌های محیط‌زیستی یا مذهبی. به همین دلیل، هر فیلم باید در چارچوب جشنواره متناسب با ویژگی‌های خود ارزیابی شود. وی با اشاره به جایگاه آثار تجربی افزود: در بسیاری از جشنواره‌های معتبر دنیا، آثار تجربی جایگاه ویژه‌ای دارند، اما در ایران چنین رویدادهای تخصصی هنوز به اندازه کافی شکل نگرفته است. در مقابل، برخی جشنواره‌ها بیش از هر چیز به کیفیت روایت، برخی به ویژگی‌های بصری و برخی دیگر به جنبه‌های فنی انیمیشن توجه می‌کنند و همین تنوع، شناخت دقیق هر جشنواره را برای فیلمساز ضروری می‌سازد. جشنواره‌ها باید زمینه تولید فیلم بعدی سینماگران را فراهم کنند این انیماتور یکی از ضعف‌های جشنواره‌های داخلی را محدود شدن نقش آنها به نمایش و تجلیل از آثار دانست و گفت: جشنواره باید علاوه بر معرفی فیلم‌های ساخته‌شده، زمینه تولید آثار آینده را نیز فراهم کند. فیلمساز پس از پایان یک پروژه، بیش از هر چیز به امکان ساخت فیلم بعدی نیاز دارد، اما این حلقه در بسیاری از جشنواره‌های ما کمتر دیده می‌شود. برق‌زدگان با اشاره به تجربه حضور در جشنواره‌های معتبر بین‌المللی ادامه داد: در بسیاری از این رویدادها، بازار فیلم و نشست‌های تخصصی میان فیلمسازان، تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران، بخش مهمی از جشنواره را تشکیل می‌دهد. گاهی حتی ارزش این بخش از رقابت اصلی بیشتر است، زیرا زمینه‌های شکل‌گیری همکاری‌های تازه و تأمین سرمایه پروژه‌های آینده را فراهم می‌کند. وی تأکید کرد: اگر چنین فضایی در جشنواره‌های ایران تقویت شود، فیلمسازان برای تولید آثار جدید تنها به



اهدای گوی کریستال به ژولیت بینوش

به نقل از دلداین، شصتمین جشنواره بین‌المللی فیلم کارلووی واری که پرستارترین دوره این جشنواره پس از مدتی طولانی بود، با معرفی برندگان خود، به کارش خاتمه داد.

برندگان جایزه افتخاری گوی کریستال. جشنواره کارلووی واری در این دوره به تجلیل از داستین هافمن بازیگر آمریکایی، ژولیت بینوش بازیگر فرانسوی و فیلمبردار رابرت ریچاردسون برنده ۳ جایزه اسکار پرداخت و گوی کریستال خود را به آنها اهدا کرد.

یک نماد اینجاست . ژولیت بینوش که با نمایش اولین تجربه کارگردانی‌اش با عنوان «در حرکت» در این جشنواره حضور یافته پنجشنبه از سوی کارل اوچ، مدیر هنری جشنواره، روی صحنه ظاهر شد که از وی چنین یاد کرد: یک نماد اینجاست. ویرایتی در گزارشی نوشته است: بینوش که گوی کریستال برای مشارکت هنری برجسته در سینمای جهان را در مراسم اختتامیه دریافت کرد، در مستند «در حرکت» همه چیزهایی را که در ساخت نمایش صحنه‌ای «در حرکت» رخ داده، آشکار می‌کند.

این فیلم بر همکاری فشرده او با اکرم خان، طراح رقص بریتانیایی، تمرکز دارد. این ۲۰ یا هم نمایشی ساختند و به توری ۱۲۰ روزه رفتند که یک بار، رابرت ردفورد هم در جمع تماشاگران بود. بینوش گفت: در اواخر تور، رابرت ردفورد نمایش را دید و گفت که باید از نمایش یک فیلم بسازی. چیزی که می‌بینید همان چیزی است که رابرت ردفورد می‌خواست. در این جشنواره بینوش در یک مستر کلاس که توسط ویرایتی برگزار شد، شرکت کرد و به حرفه خود، از اولین نقش بین‌المللی‌اش در «سبکی تحمل‌ناپذیر هستی» - برگرفته از رمان نویسنده چک، میلان کوندرا - تا «سه رنگ: آبی» ساخته کیس洛夫سکی، پرداخت.

وی با اشاره به کیس洛夫سکی به عنوان یکی از مهم‌ترین فیلمسازان اروپا که ۲۰ سال پیش در ۵۴ سالگی درگذشت، گفت: ما به شدت دلتنگ او هستیم. وقتی او درگذشت، همه ما در شوک بودیم.

وقتی داشتیم برای مراسم تشییع جنازه‌اش جلوی کلیسا از ماشین پیاده می‌شدیم، به خود گفتیم: کریستوف، نشانه‌ای به من بده که حالت خوب است و بلافاصله پس از آن، صدای بوق کامیونی به طرز باورنکردنی بلند شد ... اما این «بیمار انگلیسی» بود که جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل زن را برای او به ارمغان آورد و سخنرانی پذیرش او برای همیشه ماندگار شد. او در سال ۱۹۹۷ گفت: فکر می‌کردم لوون باکال جایزه را دریافت خواهد کرد. او شایسته‌اش بود. وی همچنین از ماجرای چگونگی ساخته شدن فیلم «کبی برابر اصل» (محصول ۲۰۱۰) عباس کیارستمی یاد کرد که برای بازی در آن جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره بین‌المللی فیلم کن را از آن خود کرد. وی از پذیرش دعوت کیارستمی برای آمدن به ایران گفت و این که چگونه جذب داستانی شد که کیارستمی برایش تعریف کرد.



هوش مصنوعی و پایه‌های معرفتی

سمپوزیوم بین‌المللی «هوش مصنوعی، اخلاق و دموکراسی» به همت رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در اتریش (خانه حکمت ایرانیان، وین) با حضور جمعی از استادان و پژوهشگران برجسته اروپایی، آمریکایی و ایرانی برگزار شد.

در این سمپوزیوم مارک کوکلیبرگ، فیلسوف فناوری و استاد دانشگاه وین، پروفیسور دیوید جی. گانکل، استاد مطالعات ارتباطات دانشگاه ایلینوی شمالی آمریکا، دکتر امیر حر، دانشمند ارشد مؤسسه فناوری اتریش (AIT)، دکتر روح‌الله اسلامی، دانشیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد و رضا غلامی، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و رایزن فرهنگی ایران در اتریش سخنرانان این رویداد علمی بودند. سایه روشن‌های هوش مصنوعی بر سر دموکراسی پروفیسور مارک کوکلیبرگ استاد دپارتمان فلسفه دانشگاه وین و عضو پتل علمی مستقل هوش مصنوعی سازمان ملل متحد در بخش نخست ارائه خود تأکید کرد که مباحث مربوط به هوش مصنوعی باید از سطح دغدغه‌های اخلاقی رایج مانند حریم خصوصی، امنیت، سوگیری، آینده مشاغل و وضعیت اخلاقی موجودات غیرانسانی فراتر رود. وی با اشاره به چالش‌های ناشی از مدل‌های زبانی بزرگ (LLMs)، بیان کرد: این فناوری‌ها

پرسش‌های بنیادینی درباره مفهوم نویسندگی، آموزش مهارت‌های تفکر و مسائل حقوقی چون کپی‌رایت ایجاد کرده‌اند. به گفته وی، فناوری هرگز از نظر ارزشی و سیاسی خنثی نیست. از این رو، ما نیازمند گذر از «اخلاق هوش مصنوعی» به «فلسفه سیاسی هوش مصنوعی» هستیم تا بتوانیم تأثیر این فناوری‌ها را بر مفاهیمی چون آزادی، برابری، عدالت و دموکراسی واکاوی کنیم. وی نسبت به خطر اقتدارگرایی در غرب هشدار داد و گفت: مشکل اصلی تسلط رانت‌ها نیست، بلکه تمایلات توتالیتر در افراد و ابزارشکرها (مانند پرونده شرکت پالاتیر) است، پدیده‌ای که او از آن با عنوان «تکنو-فاشیسم» یاد می‌کند. این فیلسوف هشدار داد که هوش مصنوعی در حال فرسایش پایه‌های معرفتی و اعتماد اجتماعی دموکراسی است. الگوریتم‌ها با ایجاد «حباهای معرفتی»، از بین بردن مرز واقعیت و دروغ و ایجاد تقارن‌نداشتن قدرت و دانش، عاملیت معرفتی (Epistemic Agency) شهروندان را تضعیف می‌کنند. وی تأکید کرد که راه‌حل‌های صرفاً فناورانه کافی نیستند. جوامع نیازمند یک «رنسانس جدید» و یک پروژه روشنگری بر پایه «اومانیسم دیجیتال» هستند که شامل تغییرات فرهنگی، آموزش بین‌رشته‌ای و پرورش فناوری‌های سیاسی با جهت‌گیری به سمت خیر عمومی باشد. کوکلیبرگ با وام‌گیری از آرای جان دیویی یادآور شد که دموکراسی فراتر از یک سیستم حکومتی، در واقع یک «سبک زندگی مبتنی بر ارتباطات و تجربه‌های مشترک» است. پروفیسور کوکلیبرگ سخنان خود را با تأکید بر لزوم شکل‌گیری یک «حکمرانی جهانی» برای هوش مصنوعی به پایان برد. به عقیده وی، مسائلی چون سرعت بالای تغییرات فناوری (مانند هوش مصنوعی زاینده و عامل)، تمرکز قدرت در بازار، تأثیر بر حقوق کودکان و سلامت روان، و نکته‌که شدن ابزارهای نظارتی، نیازمند یک هماهنگی و سیاست‌گذاری یکپارچه در سطح بین‌المللی است.

نویسندگی در عصر هوش مصنوعی نیازمند بازاندیشی در نقش زبان است. پروفیسور دیوید گانکل، فیلسوف و پژوهشگر برجسته حوزه اخلاق فناوری و هوش مصنوعی، به بررسی مفهوم «لوگوس‌محوری» (یعنی محور قرار دادن زبان و کلام در شناخت و بیان حقیقت) پرداخت و نشان داد که این مفهوم چگونه با مسئله نویسندگی در عصر هوش مصنوعی پیوند می‌خورد. وی تأکید کرد که در نگرش لوگوس‌محور، زبان صرفاً وسیله‌ای برای ارتباط روزمره نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین پایه‌های شناخت، انتقال حقیقت و شکل‌گیری اندیشه به شمار می‌آید. بسیاری از جریان‌های فکری غربی بر این باور بودند که انسان جهان را از طریق زبان می‌فهمد، دسته‌بندی می‌کند و درباره آن دآوری می‌کند. بخش مهم این ارائه به نقش زبان در شکل‌گیری نویسندگی اختصاص داشت. گانکل یادآور شد در سنت لوگوس‌محور، متن صرفاً مجموعه‌ای از واژه‌ها نیست، بلکه جلوه‌ای از فرایند شناخت و بیان حقیقت است. از این منظر، نویسندگی با هویت، نیت، تجربه زیسته و مسئولیت فکری نویسنده پیوندی عمیق دارد. گانکل در ادامه سخنان خود به ظهور مدل‌های زبانی هوش مصنوعی پرداخت و توضیح داد که این فناوری‌ها بر پایه تحلیل، پردازش و تولید متن عمل می‌کنند. مدل‌های زبانی با استفاده از حجم عظیمی از داده‌های زبانی، الگوهای معنا، ساختارهای گفتاری و ارتباطات مفهومی را شناسایی و بازتولید می‌کنند. وی افزود که توانایی هوش مصنوعی در تولید متن‌های روان و منسجم، مرزهای سنتی میان «نویسنده انسانی» و «متن تولیدشده توسط ماشین» را با پرسش‌های تازه‌ای مواجه کرده است. این تحول نشان می‌دهد که زبان در عصر هوش مصنوعی نه تنها ابزار ارتباط، بلکه ماده اصلی تولید محتوا و دانش در بسیاری از سامانه‌های هوشمند است. پروفیسور گانکل خاطرنشان کرد که گسترش استفاده از هوش مصنوعی در تولید متن، پژوهشگران و فعالان حوزه فرهنگ و رسانه را با ضرورت بازاندیشی در مفهوم نویسنده روبه‌رو کرده است. در این شرایط، باید روشن شود که سهم خلاقیت انسانی، انتخاب آگاهانه واژه‌ها، مسئولیت اخلاقی و قصد ارتباطی در فرایند تولید متن چگونه تعریف می‌شود.

وی افزود که این موضوع در حوزه‌های مختلفی از جمله روزنامه‌نگاری، ادبیات، آموزش، پژوهش و تولید محتوای دیجیتال اهمیت دارد. استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند فرایند نویسندگی را تسهیل کند، اما در عین حال پرسش‌هایی درباره اصالت متن، مالکیت فکری و اعتماد مخاطبان به محتوای تولیدشده ایجاد می‌کند.

۷۵۰ همت بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی



طوری که مصوبه شورای عالی کار را اجرایی کردیم و با وجود سختی‌ها، پذیرفتیم.

سالاری همچنین به اصلاح قانون تأمین اجتماعی، اشاره کرد و اظهار داشت: ۱۷ درصد افراد به خاطر میانگین حقوق دو سال آخر، متضرر می‌شود.

وی افزود: راهکاری که وجود دارد، این است که تورم را در حقوق لحاظ کنیم و میانگین را در آخرین حقوق سال بازنشتگی در نظر بگیریم؛ شرایط دریافتی بازنشتگان بهتر خواهد شد.

سالاری با اشاره به اصلاح قانون تأمین اجتماعی، ادامه داد: برآورد ما این است که ۳۰ درصد فرار بیمه‌ای، از این طریق جلوگیری می‌شود. وی افزود: البته این متن هنوز قانون نشده و در حال بررسی پیشنهادات هستیم، سالاری در خصوص بیمه کارگران ساختمانی، گفت: اگر حق بیمه سهم کارگر از ۷ درصد به ۱۳.۵ درصد برسد، می‌توانیم بیش از ۵۰۰ هزار نفر کارگر ساختمانی در نوبت بیمه را تحت پوشش قرار بدهیم. هرچند باز هم دچار کسری خواهیم شد، اما میزان آن کمتر خواهد شد. مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی افزود: در حال حاضر کارگر ساختمانی ۷ درصد حق بیمه پرداخت می‌کند و سهم کارفرما از محل درصدی از هزینه صدور پروانه ساختمانی تأمین می‌شود. با این وجود، حدود ۵۰۰ هزار نفر همچنان در صف بیمه کارگران ساختمانی قرار دارند و امکان تحت پوشش قرار گرفتن آنها فراهم نشده است. سالاری ادامه داد: حتی برای بیمه‌شدگان فعلی نیز حدود ۴۵ درصد کسری منابع وجود دارد و سهم کارفرمایی پاسخگوی هزینه‌ها نیست. وی افزود: اینکه تورم باعث کاهش قدرت خرید بازنشتگان و مستمری‌گیران شده، شامل همه افراد جامعه می‌شود. سال گذشته در جنگ ۱۲ روزه با کمبود درآمد مواجه شدیم که نمی‌توان آنها را باز کرد. اما، اجازه ندادیم پرداخت حقوق بازنشتگان و مستمری‌گیران دچار مشکل شود.

مصطفی سالاری، روز یکشنبه ۲۱ تیرماه ۱۴۰۵، در نشست خبری در سالن کنفرانس سازمان تأمین اجتماعی، گفت: سازمان تأمین اجتماعی برای ۴۷ میلیون نفر از جمعیت کشور، پوشش خدمات بیمه‌ای ارائه می‌دهد و تعهداتی در قبال این افراد دارد.

وی افزود: ماهانه ۵.۲ میلیون نفر بازنشته، مستمری بگیر و ۰۰۰۰ از سازمان تأمین اجتماعی حقوق دریافت می‌کنند.

سالاری گفت: بنابراین، برای اینکه وقفه‌ای در ارائه خدمات تأمین اجتماعی رخ ندهد، باید اقداماتی انجام دهیم و در این بین، پرداخت حقوق بازنشتگان و مستمری‌گیران، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی تأکید کرد: برای انجام تعهدات، بیش از ۱۴۰ همت ماهانه بابت حقوق بازنشتگان و مستمری‌گیران باید پرداخت شود.

سالاری ادامه داد: هزینه‌های ما بیش از ۱۴۰ هزار میلیارد تومان بابت حقوق بازنشتگان و مستمری‌گیران و حدود ۴۰ همت هزینه درمان افراد تحت پوشش است.

وی افزود: ماهانه ۲۲.۵ همت بابت بیمه بیکاری پرداخت می‌کنیم.

سالاری همچنین تصریح کرد: ماهانه ۲۲۵ هزار میلیارد تومان هزینه سازمان تأمین اجتماعی است، در حالی که درآمد سازمان تأمین اجتماعی در ماه‌های گذشته، کمتر از این عدد بوده است.

به گفته مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، ما نمی‌توانیم به دلیل کاهش درآمد، از پرداخت حقوق ۰۰۰۰ خودداری کنیم.

وی افزود: اگر شرایط جامعه برای مردم سخت‌تر می‌شود، ما باید تلاش بیشتری کنیم تا مشکلات مردم بیشتر نشود.

سالاری گفت: با توجه به شرایط حاکم بر سازمان تأمین اجتماعی، راهکارهایی ارائه داده ایم که اگر عملیاتی شود، می‌توانیم کسری‌ها را مثبت کنیم.

وی افزود: اگر روزی بار سازمان تأمین اجتماعی بر دوش دولت بیفتد، هیچ دولتی توان تأمین هزینه‌های این سازمان را نخواهد داشت و باید مراقبت کنیم که این بار بر دوش دولت نیفتد.

سالاری ادامه داد: از خرداد سال گذشته تا امروز، برنامه‌های توسعه‌ای سازمان تأمین اجتماعی را کنار گذاشته ایم و از اول مرداد ۱۴۰۵، بیمه متمرکز را استارت خواهیم زد.

وی افزود: رسیدگی به اسناد مدارک پزشکی، کاملاً الکترونیکی شده است و پرونده سلامت الکترونیک را نیز پیش‌بینی کرده ایم که فقط خود بیمه‌شده می‌تواند به این پرونده دسترسی داشته باشد.

سالاری گفت: ادغام ۱۰۰ شعبه را در دستور کار قرار داده ایم و حدود ۹۰ درصد خدمات به شکل مجازی ارائه خواهد شد.

مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، در ادامه نشست خبری به سئوالات خبرنگاران پاسخ داد.

سالاری در خصوص میزان بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی، گفت: با فرمولی که همکاران انجام می‌دهند و قانون می‌گوید، حداقل ۷۵۰ هزار میلیارد تومان بدهی دارد. وی در خصوص اصلاح قانون تأمین اجتماعی افزود: ما مزایای حقوق بازنشتگان و مستمری‌گیران را حذف نکرده ایم، بلکه اصلاحاتی انجام شده که با توافق بوده است. به



بازدید شهردار از نمایشگاه معماری

شهردار تهران با حضور در نمایشگاه آثار ارسالی به مسابقات معماری شهرداری، از طرح‌های منتخب دو پروژه «پلازای ایستگاه متروی امام حسین (ع)» و «هم‌س‌س‌گاه پایانه کاوه» بازدید کرد. مدیرکل معماری و ساختمان شهرداری تهران از برگزاری مسابقه معماری شهرداری تهران با محوریت دو پروژه «پلازای ایستگاه متروی امام حسین (ع)» و «هم‌س‌س‌گاه پایانه کاوه» خبر داد و گفت: این مسابقات با هدف ارتقاء کیفیت معماری، بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان حرفه‌ای و دستیابی به راهکارهای خلاقانه برای بازآفرینی فضاهای عمومی و حمل‌ونقل شهری برگزار شد. یاسر جعفری مدیرکل معماری و ساختمان شهرداری تهران در گفت و گو با خبرنگار شهر، با اشاره به برگزاری مسابقات معماری شهرداری تهران اظهار کرد: ارتقاء کیفیت محیط شهری و دستیابی به طرح‌های خلاقانه و قابل اجرا، مستلزم بهره‌گیری از ظرفیت جامعه حرفه‌ای معماری و شهرسازی است.

از همین رو معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران، برگزاری مسابقات معماری را به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در انتخاب ایده‌های برتر برای پروژه‌های شاخص شهری در دستور کار قرار داده است.

وی افزود: در این دوره، دو پروژه شامل «طراحی یکپارچه درگاه شهری و پلازای ایستگاه متروی امام حسین (ع)» و «طراحی هم‌س‌س‌گاه پایانه کاوه» به مسابقه گذاشته شد تا با مشارکت معماران و شهرسازان، بهترین طرح‌ها برای ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی و زیرساخت‌های حمل‌ونقل پایتخت استخراج شود. جعفری با بیان اینکه فرآیند ارزیابی و داوری آثار با حضور شورای آبادیان معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران، طی دو روز در ساختمان بلدیه برگزار شد، گفت: هیات داوران متشکل از پنج تن از استادان برجسته دانشگاهی و صاحب‌نظران جامعه حرفه‌ای برای هر پروژه، آثار را بر اساس شاخص‌های تخصصی مورد ارزیابی قرار دادند.

مدیرکل معماری و ساختمان شهرداری تهران درباره نخستین پروژه این مسابقه گفت: پروژه «طراحی یکپارچه درگاه شهری و پلازای ایستگاه متروی امام حسین (ع)» با هدف تبدیل یکی از مهم‌ترین مبادی حمل‌ونقل پایتخت از فضایی صرفاً عبوری به یک فضای عمومی سرزنده، انسان‌محور و هویت‌مند تعریف شده است. وی ادامه داد: در این پروژه تلاش شده است با ایجاد هم‌افزایی میان کارکردهای فرهنگی، تجاری و حمل‌ونقل عمومی، ارتقاء کیفیت حضور شهروندان و طراحی معماری شاخص، الگویی نوین برای ساماندهی فضاهای عمومی و تبدیلی تهران ارائه شود. جعفری افزود: در این بخش از مسابقه، ۱۰ گروه ثبت‌نام کردند که ۹ اثر به مرحله داوری راه یافت.

در نهایت پس از بررسی‌های تخصصی با داوری محمد رضا حافظی، حسین شیخ زین الدین، بهروز منصوری، مروریاد قاسمی و کوروش حاجی زاده، سه اثر برتر انتخاب شدند و یک اثر نیز شایسته تقدیر شناخته شد. آثار منتخب به ترتیب مصطفی امیدیخش رتبه اول، امیر قاسم پور و سمانه قاسم پور رتبه دوم، مسعود حاتم‌ی رتبه سوم و شیوا آراسته عنوان اثر شایسته تقدیر را کسب کردند.

وی با اشاره به دومین محور مسابقه اظهار کرد: پروژه «هم‌س‌س‌گاه پایانه کاوه» با رویکرد بازتعریف یکی از زیرساخت‌های مهم حمل‌ونقل عمومی شهر طراحی شده است.

رویکردی که در آن پایانه اتوبوس‌رانی از یک فضای صرفاً عملکردی به محیطی چندعملکردی، پویا و تعامل‌پذیر برای شهروندان تبدیل می‌شود.

مدیرکل معماری و ساختمان شهرداری تهران خاطرنشان کرد: این پروژه با تأکید بر توسعه حمل‌ونقل عمومی پاک، ارتقاء کیفیت فضای شهری و تقویت تعاملات اجتماعی، نمونه‌ای از نگاه نوین به طراحی زیرساخت‌های شهری است.

در این بخش نیز با داوری مصطفی بهزادفر، مهدی علیزاده، سعید سادات نیا، هادی طهرانی، محمود گلابچی و آریین حکیمی، ۶ گروه در مسابقه شرکت کردند که ۵ اثر به دبیرخانه رسید و پس از ارزیابی هیات داوران، سه طرح برتر انتخاب شدند.

در این بخش نیز به ترتیب پرشیا قره‌گوزلو و بهزاد اتابکی رتبه اول، امیرحسین طاهری و مه‌ران داوری رتبه دوم و لیلا عراقیان و علیزضا بهزادی رتبه سوم را کسب کردند.

جعفری با تأکید بر اینکه مسابقات معماری بستری برای هم‌افزایی میان مدیریت شهری و جامعه حرفه‌ای است، تصریح کرد: شهرداری تهران تلاش دارد با استمرار این رویکرد، انتخاب طرح‌های شاخص را بر پایه رقابت حرفه‌ای، کیفیت طراحی و نوآوری استوار کند تا پروژه‌های شهری آینده، پاسخگوی نیازهای امروز و فردای شهروندان بوده و در ارتقاء هویت، سرزندگی و کیفیت فضاهای عمومی پایتخت نقش مؤثری ایفا کنند.

مدیرکل معماری و ساختمان شهرداری تهران در پایان با اشاره به اهمیت برگزاری این مسابقات، گفت: شهردار تهران ضمن استقبال از اتخاذ چنین رویکردی در معاونت شهرسازی و معماری، از نمایشگاه آثار ارسال شده به این مسابقات بازدید کرد و آثار منتخب این مسابقه را مورد بررسی قرار داد.

سالاری ادامه داد: در جنگ ۴۵ روزه هم توانستیم عیدی بازنشتگان و مستمری‌گیران را با سختی زیاد، پرداخت کنیم.

مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی تأکید کرد: در شرایط جنگ، حتی یک وقفه یک روزه هم در پرداخت‌ها نداشتیم.

وی در خصوص میزان بدهی کارفرمایان گفت: ۲۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی کارفرمایان غیر دولت است.

سالاری در مورد بیمه بازنشتگی مشاغل سخت و زیان‌آور، افزود: این روند هیچ فرقی با عادی ندارد. طولانی بودن روند ناشی از ادعای سخت و زیان‌آور بودن است که پیگیری می‌کنند.

وی در خصوص موضوع خروج از بنگاداری، گفت: قطعاً به نفع ما نیست و قانون برنامه هفتم هم این را می‌گوید، ولی در شرایط غیر عادی امکان‌پذیر نیست و در شرایط عادی هم، زمان‌بر است.

سالاری افزود: شستا سال گذشته فقط ۱.۵ درصد منابع ما را تأمین کرد.

وی با عنوان این مطلب که از اسفند ۱۴۰۴ تاکنون حدود ۲۹۰ هزار نفر برای استفاده از حقوق بیمه بیکاری ثبت‌نام کرده‌اند، ادامه داد: از این تعداد، حدود ۵۰ هزار نفر ارتباطی با شرایط جنگ نداشته و روند عادی متقاضیان بوده است.

سالاری افزود: از مجموع ثبت‌نام‌ها، پرونده ۱۷۰ هزار نفر پس از بررسی و تأیید در ادارات کار به سازمان تأمین اجتماعی ارسال شده که مقرری حدود ۱۰۰ هزار نفر از آنها پرداخت شده و مابقی نیز به صورت هفتگی پرداخت خواهد شد. سایر پرونده‌ها نیز پس از طی مراحل بررسی در ادارات کار به سازمان ارسال می‌شود.

مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی گفت: استان‌های اصفهان، تهران، البرز و خوزستان بیشترین تعداد متقاضیان بیمه بیکاری را داشته‌اند؛ موضوعی که به دلیل آسیب‌پذیر بودن واحدهای صنعتی این استان‌ها در حملات دشمن رخ داده است.



همچنین دبیرخانه شورای ملی سالمندان با همکاری دستگاه‌های اجرایی، تدوین سیاست‌ها و هماهنگی برنامه‌های ملی مرتبط با سالمندی را دنبال می‌کند.

وی اضافه کرد: موفقیت در مدیریت پدیده سالمندی تنها با اقدامات یک دستگاه امکان‌پذیر نیست و نیازمند همکاری گسترده میان وزارت بهداشت، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، شهرداری‌ها، سازمان‌های بیمه‌گر، دانشگاه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و خود خانواده‌ها است.

توسعه بیمه‌های مراقبت طولانی‌مدت، مناسب‌سازی فضاهای شهری، گسترش حمل‌ونقل مناسب سالمندان، افزایش مشارکت اجتماعی، آموزش سبک زندگی سالم از میانسالی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، از مهم‌ترین راهکارهای مواجهه با این تحول جمعیتی به شمار می‌روند. فولادیان خاطر نشان کرد: سالمندی جمعیت یکی از مهم‌ترین مسائل توسعه‌ای ایران در دهه‌های آینده خواهد بود.

اگر از امروز برنامه‌ریزی جامع، سرمایه‌گذاری در حوزه سلامت، توانبخشی، حمایت اجتماعی و توسعه زیرساخت‌های دوستدار سالمند انجام شود، می‌توان این تغییر جمعیتی را از یک تهدید بالقوه به فرصتی برای توسعه پایدار، افزایش سرمایه اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان تبدیل کرد.

آینده سالمندی ایران، بیش از هر زمان دیگری، نیازمند سیاست‌گذاری علمی، همکاری بین‌بخشی و مشارکت فعال همه ارکان جامعه است.

سونامی سالمندی در راه ایران

مجید فولادیان رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور در رابطه با اثرات و آمار سالمندی در ایران توضیحاتی داد و گفت: ایران در حال تجربه یکی از سریع‌ترین روندهای سالمندی جمعیت در جهان است. کاهش نرخ باروری، افزایش امید به زندگی، بهبود شاخص‌های بهداشت و درمان و تغییرات ساختار خانواده موجب شده است که ترکیب سنی جمعیت کشور با سرعت زیادی به سمت سالمندی حرکت کند. فولادیان ادعان کرد: بر اساس آمارهای رسمی، هم‌اکنون حدود ۱۲ درصد جمعیت کشور را سالمندان تشکیل می‌دهند و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۲۰، بیش از ۳۰ درصد جمعیت ایران در گروه سنی سالمندان قرار گیرند.

این تحول جمعیتی، اگرچه نشانه‌ای از موفقیت نظام سلامت در افزایش طول عمر است، اما در صورت نبود برنامه‌ریزی مناسب، می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سلامت به همراه داشته باشد.

وی افزود: یکی از مهم‌ترین تهدیدهای ناشی از سالمندی جمعیت، افزایش بار بیماری‌های مزمن و هزینه‌های درمانی است. سالمندان بیش از سایر گروه‌های سنی در معرض بیماری‌هایی مانند دیابت، فشار خون، بیماری‌های قلبی، آلزایمر، پوکی استخوان و مشکلات حرکتی قرار دارند.

افزایش تعداد سالمندان، نیاز به خدمات درمانی، توانبخشی، مراقبت در منزل و مراقبت‌های طولانی‌مدت را به شکل قابل توجهی افزایش می‌دهد و فشار مضاعفی بر نظام سلامت و بیمه‌های درمانی وارد خواهد کرد.

فولادیان متذکر شد: از سوی دیگر، کاهش جمعیت فعال و افزایش نسبت سالمندان به جمعیت شاغل، یکی دیگر از چالش‌های مهم آینده کشور محسوب می‌شود.

این موضوع می‌تواند بر رشد اقتصادی، بازار کار، صندوق‌های بازنشتگی و منابع مالی دولت اثرگذار باشد. همچنین کوچک شدن خانواده‌ها، افزایش زندگی تک‌نفره سالمندان و مهاجرت فرزندان به شهرهای دیگر، احتمال تنهایی، انزوای اجتماعی و مشکلات سلامت روان در دوران سالمندی را افزایش می‌دهد.

وی تصریح کرد: در کنار این تهدیدها، متخصصان معتقدند سالمندی تنها یک چالش نیست، بلکه می‌تواند فرصتی برای توسعه «اقتصاد نقره‌ای» نیز باشد.

استفاده از ظرفیت علمی، تجربی و مهارتی سالمندان، توسعه فناوری‌های مراقبتی، گردشگری سالمندان، خدمات هوشمند سلامت و اشتغال متناسب با توانایی سالمندان، از جمله فرصت‌هایی است که می‌تواند به رشد اقتصادی و ارتقای کیفیت زندگی این قشر کمک کند.

فولادیان اظهار داشت: در این میان، سازمان بهزیستی کشور به عنوان یکی از مهم‌ترین دستگاه‌های متولی خدمات اجتماعی و توانبخشی، برنامه‌های متعددی را برای مدیریت موج سالمندی و ارتقای کیفیت زندگی سالمندان در دستور کار قرار داده است.

توسعه خدمات توانبخشی، مراقبت در منزل، مراکز روزانه و شبانه‌روزی سالمندان، ارائه وسایل کمک‌توانبخشی، حمایت از سالمندان دارای



بازدیدشهردار

شهردار تهران با حضور در نمایشگاه آثار ارسالی به مسابقات معماری شهرداری، از طرح‌های منتخب دو پروژه «پلازای ایستگاه متروی امام حسین (ع)» و «همرس گاه پابانه کاوه» بازدید کرد.

ژاپن فئودالی

به نقل از وریبیتی، انیمیشن استاپ موشن «هیدلاری» که با صدایشگی کیانو ریوز در دوران سامورایی ژاپن اتفاق می‌افتد، به تازگی توجه تماشاگران را در جشنواره انسی به خود جلب کرد



تیم ملی والیبال ساحلی نایب قهرمان شد

فصل نوزدهم لیگ برتر فوتبال زنان قرار است از اوایل شهریور آغاز شود. لیگی که برای نخستین‌بار با حضور همزمان استقلال و پرسپولیس برگزار خواهد شد و در کنار این دو تیم مدعیان سنتی و تیم‌های تازه‌نفس نیز برای کسب عنوان قهرمانی به میدان می‌آیند. با این حال نگاهی به شرایط تیم‌های مطرح نشان می‌دهد که مدعیان فصل جدید با وضعیت یکسانی وارد رقابت‌ها نمی‌شوند. یکی از مهم‌ترین ابهام‌های لیگ جدید به شرایط خاتون بم برمی‌گردد. پرافتخارترین تیم فوتبال زنان ایران که طی سال‌های اخیر همواره یکی از مدعیان اصلی قهرمانی بوده این روزها با مشکلات جدی مالی دست‌وپنجه نرم می‌کند. شرایط مالی این باشگاه به اندازه‌ای بحرانی شده که حتی بحث تأمین هزینه‌های حضور در مرحله انتخابی لیگ قهرمانان زنان آسیا نیز مطرح است. از سوی دیگر آینده نیمکت این تیم نیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و احتمال جدایی مرضیه جعفری سرمربی پرافتخار خاتون بیش از هر زمان دیگری جدی به نظر می‌رسد. سپاهان اصفهان نیز دیگر تیمی است که گفته می‌شود شرایط مالی مطلوبی ندارد. شنیده‌ها حاکی از آن است که زردپوشان اصفهانی بر خلاف فصل‌های گذشته با بودجه‌ای محدودتر وارد نقل‌وانتقالات شده‌اند و احتمال دارد با ترکیبی جوان‌تر و کم‌تجربه‌تر نسبت به سال‌های اخیر یا به مسابقات بگذارند؛ موضوعی که می‌تواند شانس این تیم برای حضور در کورس قهرمانی را تحت تأثیر قرار دهد. استقلال دیگر نام بزرگ فصل جدید هرچند پس از صعود به لیگ برتر انگیزه زیادی برای حضور قدرتمند دارد اما همچنان با یک چالش مهم روبه‌رو است. بسته بودن پنجره نقل‌وانتقالاتی این باشگاه باعث شده وضعیت جذب بازیکنان جدید نامشخص باشد و هنوز مشخص نیست آبی‌پوشان با چه ترکیبی نخستین حضور خود در لیگ برتر فوتبال زنان را تجربه خواهند کرد. در نقطه مقابل گل‌گهر سیرجان شاید باثبات‌ترین مدعی فصل جدید باشد. این تیم که فصل گذشته عنوان نایب‌قهرمانی را به دست آورد تکلیف کادر فنی خود را مشخص کرده و با هدایت مریم جهان‌تجائی وارد فصل جدید خواهد شد. حفظ ثبات فنی می‌تواند یکی از مهم‌ترین نقاط قوت گل‌گهر در رقابت با سایر مدعیان باشد. پرسپولیس نیز که دومین فصل حضور خود در لیگ برتر را تجربه می‌کند به دنبال ساختن تیمی مدعی است. در کنار سرخ‌پوشان ایستای البرز نیز برنامه ویژه‌ای برای حضور پرقدتر در لیگ جدید دارد و تلاش می‌کند جایگاه خود را در بین تیم‌های مدعی تثبیت کند. در این میان نام مرضیه جعفری همچنان یکی از مهم‌ترین موضوعات نقل‌وانتقالات فوتبال زنان است. گفته می‌شود پس از جدایی احتمالی او از خاتون بم پرسپولیس و ایستای البرز از جمله تیم‌هایی هستند که شرایط همکاری با این سرمربی پرافتخار را بررسی می‌کنند. هرچند هنوز تصمیم نهایی جعفری درباره آینده کار‌اش مشخص نشده است. با توجه به شرایط متفاوت مدعیان به نظر می‌رسد فصل نوزدهم لیگ برتر فوتبال زنان یکی از غیر قابل پیش‌بینی‌ترین دوره‌های این رقابت‌ها باشد. لیگی که برخی مدعیان سنتی با مشکلات مالی و مدیریتی روبه‌رو هستند و در مقابل تیم‌هایی مانند گل‌گهر، پرسپولیس و ایستای البرز امیدوارند از این فرصت برای تغییر معادلات فوتبال زنان ایران استفاده کنند.



قضاوت یک داور زن ایرانی

- با دعوت فدراسیون جهانی تکواندو یک داور زن ایرانی برای قضاوت در جام جهانی راهی کره جنوبی شده است.
- جام جهانی تکواندو طی روزهای ۲۲ تا ۲۵ تیرماه با حضور ۸۴ تکواندوکار از ۹ کشور ایران، کره جنوبی، مراکش، چین، اندونزی، هند، قزاقستان، روسیه و تایلند به میزبانی چین در شهر «چانچئون» برگزار خواهد شد.
- به منظور قضاوت در این «شمسی علی‌خانی» داور بین المللی کشورمان از سوی کمیته داوران فدراسیون جهانی به کره جنوبی دعوت شده است. وی قرار است پس از پایان این مسابقات در رقابت های بین المللی کره جنوبی نیز قضاوت کند.
- علی‌خانی در بازیهای کشورهای اسلامی قضاوت کرده و جزو داورانی است که در لیست اولیه فدراسیون جهانی برای قضاوت در المپیک ۲۰۲۸ پاریس قرار دارد و برای تحقق این هدف می بایست در تورنمنت های که از سوی فدراسیون جهانی دعوت می شود، قضاوت کند.
- مهدی قشقایی‌راد (سرمربی)، سیدحسین افتخاری (مدیر فنی)، غلامحسین نیکویی (مدیر تیم) و محمد محمودیانی (فیزیوتراپ) هم اعضای کادر فنی کشورمان را در این دوره از رقابت های قهرمانی جهان تشکیل داده بودند.

شور و نشاط با تحقق آرزوی قدیمی

نیست بلکه افزایش سلامت عمومی، پیشگیری از بیماری‌ها، ارتقای کیفیت زندگی و ایجاد نشاط اجتماعی اهمیت دارد.

هرچه مشارکت مردم در فعالیت‌های بدنی بیشتر شود آثار آن در حوزه سلامت، کاهش هزینه‌های درمان، افزایش بهره‌وری و حتی بهبود روابط اجتماعی نیز نمایان خواهد شد. به همین دلیل بسیاری از کشورها سال‌هاست سیاست انتقال ورزش به فضاهای عمومی را در دستور کار قرار داده‌اند. طرح «کوچه» نیز در صورت اجرای صحیح می‌تواند در همین مسیر حرکت کند و ورزش را از محیط‌های تخصصی به متن جامعه بیاورد. اجرای موفق مهم‌تر از ایده هرچند ایده استفاده از ظرفیت کوچه‌ها و محله‌ها جذاب و امیدوارکننده به نظر می‌رسد اما موفقیت آن بیش از هر چیز به کیفیت اجرا وابسته خواهد بود. تأمین امنیت شرکت‌کنندگان، انتخاب زمان مناسب برای اجرای برنامه‌ها، هماهنگی با مدیریت شهری، استفاده از ظرفیت شوراهای محلات، جلوگیری از ایجاد مزاحمت برای ساکنان و برنامه‌ریزی منظم از جمله عواملی هستند که می‌توانند بر موفقیت یا شکست چنین طرحی تأثیر بگذارند.

همچنین استمرار برنامه‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. اگر رویداد «کوچه» تنها به چند برنامه مناسبتی محدود شود تأثیر بلندمدتی بر فرهنگ ورزش نخواهد گذاشت. اما اگر این برنامه به صورت منظم و مستمر در محله‌ها جریان داشته باشد به مرور می‌تواند به بخشی از سبک زندگی شهروندان تبدیل شود. کوچه‌ها دوباره میزبان «بازی» می‌شوند/ شور و نشاط با تحقق آرزوی قدیمی

فرستی برای احیای هویت محله‌ها

محله‌ها تنها مجموعه‌ای از ساختمان‌ها نیستند. آن‌ها محل شکل‌گیری ارتباطات اجتماعی، همدلی و مشارکت شهروندان هستند. فعالیت‌ها مشترک فرهنگی، اجتماعی و ورزشی می‌تواند این پیوندها را تقویت کنند. برگزاری رویدادهای ورزشی در سطح محلات علاوه بر افزایش فعالیت بدنی، فرصتی برای حضور خانواده‌ها، تعامل نسل‌ها و ایجاد حس تعلق به محله فراهم می‌کند. در چنین فضایی ورزش تنها یک فعالیت جسمانی به شمار نمی‌رود بلکه به ابزاری برای تقویت سرمایه اجتماعی تبدیل می‌شود. یک فرصت که نیازمند پیگیری است معرفی رویداد ملی «کوچه» را می‌توان نشانه‌ای از تغییر رویکرد در توسعه ورزش همگانی دانست. رویکردی که تلاش می‌کند ورزش را به نزدیک‌ترین نقطه زندگی مردم ببرد. با این حال تجربه نشان داده است که موفقیت چنین برنامه‌هایی تنها با اعلام یک طرح یا برگزاری چند نشست محقق نمی‌شود. آنچه در نهایت درباره موفقیت این ایده قضاوت خواهد شد حضور واقعی مردم در کوچه‌ها و محله‌ها، استمرار برنامه‌ها و تبدیل ورزش به بخشی از زندگی روزمره است. اگر این هدف محقق شود شاید کوچه‌ها بار دیگر همان نقشی را ایفا کنند که سال‌ها پیش داشتند. جایی برای تحرک، نشاط، همدلی و رشد نسل‌های آینده. شاید مهم‌ترین دستاورد طرح «کوچه» نه صرفاً برگزاری چند رویداد ورزشی بلکه زنده کردن این باور باشد که برای آغاز یک زندگی فعال همیشه به سالن‌های مجهز و امکانات گران‌قیمت نیاز نیست، گاهی یک کوچه، چند همسایه و اندکی اراده می‌تواند آغازگر یک تحول بزرگ در ورزش همگانی باشد.

